تصویر ابو عبد الرحمن الکردی

مسؤولیت در اسلام

« بر اساس منابع اهل سنت »

مؤلف: دکتر عبدالله عبدالرحیم عبادی
مترجم: محمود خوش‌خبر

بسم الله الرحمن الرحيم

مسؤولیت در اسلام

نویسنده: دکتر عبدالله عبدالرحیم عبادی

مترجم: محمود خوش‌خبر

شیراز
انتشارات ایلاف

سرشناسه : عبادی، عبدالله عبدالرحیم
عنوان و نام پدیدآور : مسؤولیت در اسلام/ نویسنده عبدالله عبدالرحیم عبادی؛ مترجم محمود خوش‌خبر
مشخصات نشر : شیراز: ایلاف، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری : ۹۶ص.
شابک : ۱۲۰۰۰ ریال: ۶-۰۲۱-۱۹۸-۹۶۴-۹۷۸ :ISBN
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
عنوان قراردادی : المسؤولیة فی الاسلام . فارسی
موضوع : مسؤولیت (اسلام)
موضوع : اخلاق اسلامی
شناسه افزوده : خوش‌خبر، محمود، مترجم
رده‌بندی کنگره : BP ۲۳۲/۶۷/ع۲۳م۵ ۱۳۸۷
رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۶۵۴۳۵۱

انتشارات ایلاف

شیراز، خیابان زند، جنب بانک ملی شعبه کوثر، پاساژ صاحب‌الزمان، تلفن: ۲۳۰۵۶۴۰
www.ilaf.ir

نام کتاب: مسؤولیت در اسلام
مؤلف: دکتر عبدالله عبدالرحیم عبادی
مترجم: محمود خوش‌خبر
ناشر: ایلاف
طرح جلد: گروه طراحی هفت
تیراژ: ۳۰۰۰
نوبت چاپ: اول، پاییز،۱۳۸۷
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قلم

شابک ۶-۰۲۱-۱۹۸-۹۶۴-۹۷۸ **ISBN 978- 964-198-021-6**

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار مترجم ۷
مقدمه ۱۳
اساس مسؤولیت ۱۵
مسؤول اول: پیشوا ۲۱
مسؤول دوم: مرد در خانواده‌اش ۳۵
مسؤول سوم: مسؤولیت زن در خانه‌ی شوهرش ۴۵
مسؤولیت خدمتکار و کارگر ۴۹
مسؤولیت عالم در مقابل دیگران ۵۲
مسؤولیت همسایه در برابر همسایه ۵۷
مسؤولیت‌پذیری پزشک نسبت به بیماران ۶۰
مسؤولیت ثروتمندان نسبت به نیازمندان ۶۵
مسؤولیت مسلمان در مقابل عموم مسلمانان ۷۱
مسؤولیت مسلمان در برابر عموم انسان‌ها ۷۷
مسؤولیت مسلمان نسبت به جانوران ۸۳
فرجامین سخن ۹۱
کتاب‌های مولف ۹۳

پیشگفتار مترجم

ستایش از آن خدایی است که به انسان دو نعمت بزرگ دین و عقل بخشید. ذاتی که آدمی را آفرید و شیوه‌ی زندگی کردن را به او آموخت. درود خدای بر سرورمان محمد، خاتم انبیاء، خورشید تابناک، کسی که با وحی و عقل آدمیان را در مسیر درست زندگی رهنمود فرمود، پیامبری که مسؤولیت خویش را به وجه کامل و خیرخواهانه به بشریت رساند، بارالها، بر این پیامبر بزرگوارت درود و برکت فرست. خدایا، از خاندان و یارانش (... کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند، و پیروی کردند نوری را که با او نازل شده است، آنان همان رستگارانند)[1] و همه‌ی دعوتگران راستین دینش خشنود باد، آمین یارب العالمین.

خداوند عزوجل آدمیان را خلق کرده که وی را بندگی کنند، و بندگی هم در سایه‌ی پیروی بی‌چون و چرای خدای فرمانروای فریادرس تحقق می‌یابد. بندگی خدا، یعنی انسان همان‌گونه که خدا می‌خواهد باشد، و این فقط با توجه کامل انسان به اوامر و نواهی باری تعالی میسر است، بایدها و نبایدها را به خوبی بشناسد و آن‌ها را در زندگی به کار بندد.

رستگاری انسان در رکوع، سجود و بندگی الله و انجام دادن کار خوب است: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱرْكَعُوا۟ وَٱسْجُدُوا۟ وَٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمْ وَٱفْعَلُوا۟ ٱلْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾:[2] «ای مومنان رکوع کنید و به

---

۱. اعراف: ۱۷۵

۲. حج: ۷۷

سجده روید و پروردگار خویش را بندگی کنید و کار خوب انجام دهید تا این که رستگار شوید». رستگاری و خوشبختی دو دُرّ گمشده‌ی انسان است و همه‌ی آدمیان در تحصیل آن دو هر رنجی را متحمل می‌شوند، به طوری که هیچ انسانی را نمی‌یابی که هدفش از زندگی دستیابی به آن دو و نجات از بدبختی نباشد. اگرچه آدمیان در دست‌یابی به رستگاری و خوشبختی راه‌های گوناگونی را برگزیده‌اند اما خدای حکیم و آفریدگار دانا تنها راه خوشبختی را در بندگی خود و فرمانبری از فرامین حیات‌بخش خود می‌داند، و خوشبختان جز دوستان خدا، کسی دیگر نمی‌تواند باشد. دوستان خدا، مومنان تقواپیشه‌ای هستند که نه خوف دارند و نه حزن.

بنابراین باید اول فرمان‌های خدا را آن‌طور که سزاوار است اجرا نمود: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ﴾[1] تا انسان مسلمانی خود را محقق سازد ﴿وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾[2]، در پی این فرمان‌بری انسان به سعادت ابدی به دور از حزن و خوف نست می‌یابد:

﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿٦٢﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾[3]

---

۱ و ۲. آل‌عمران: ۱۰۲ « ای کسانی‌که آورده اید از خدا بترسید، آن گونه‌که حق ترسیدن از وی است و نمیرید جز بر (آئین) اسلام».

۳. یونس: ۶۲-۶۴ آگاه باشید که بر دوستان خدا نه ترسی است و نه اندوهگین می‌شوند، آنان که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند. برای آنان در زندگی دنیا و آخرت بشارت است».

آری خداوند انسان را مسؤول آفریده و مسؤولیت وی ابلاغ رسالت آسمان به زمینیان است که در طول تاریخ انبیا عليهم السلام این کار را به نحو احسن انجام داده‌اند.

رسالت مؤمن سه شاخه دارد: شاخه‌ای روحی و روانی است که انسان در این قسمت بعد از معرفت خدای عزوجل به فرمانبری وی و تهذیب و تزکیه خویش می‌پردازد: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱرْكَعُوا۟ وَٱسْجُدُوا۟ وَٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمْ﴾ که ابزار این کار رکوع، سجود، و بندگی است؛ شاخه‌ی دیگر رسالت انجام دادن کار خوب است: ﴿وَٱفْعَلُوا۟ ٱلْخَيْرَ﴾ کار نیک نشانه‌ی مسلمانی است. مسلمان در جامعه سرچشمه‌ی خوبی‌ها و سرشار از نیکی‌هاست. او نه تنها خود فاعل خیر است بلکه دعوتگر خیر نیز هست و برتری مسلمان هم در امر به معروف و نهی از منکر و کار خیر است، و این از معجزات قرآن است که انسان را مأمور به خیر مطلق نموده است، خیر برای انسان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان و خیر برای جانوران، تا بدین وسیله مسلمان به همه‌ی انسان‌ها و در برابر کل طبیعت خود را مسؤول بداند و همه‌ی موجودات از خیر و نیکی مسلمان بهره‌مند شوند و رسول مکرم اسلام ﷺ چه نیکو فرموده است: (فی کُلِّ کَبِدٍ رَطْبَةٍ أجرٌ):[1] «در نیکی به هر موجود زنده‌ای پاداش است».

از عظمت اسلام است که مسلمان در همه‌ی کارهای نیکی که انجام می‌دهد پاداش دارد: (ما مِنْ مُسْلِمٍ یَغْرِسُ غَرْساً أو یَزْرَعُ زَرْعاً، فَیأکُلُ مِنْهُ طَیرٌ، أو إنسانٌ أو بَهِیمةٌ إلاَّ کَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ): «هر مسلمانی که

۱. بخاری باب مظالم ۲۴۶۶- مسلم در باب سلام ۲۲۴۴

درختی بکارد و یا زراعتی را کشت کند و از آن پرنده یا انسان و یا حیوانی بخورد قطعاً برای وی صدقه به‌حساب می‌آید».[۱]

بنابراین همه‌ی کارهای مسلمانان، از نیکی به پدر و مادر، صله‌ی رحم، نیکی به همسایه، عطوفت بر فقیران و مستمندان، مهربانی با ایتام و درمانده‌ها، رحم و شفقت به هر موجود زنده‌ای، همه‌ی این خصال خوب و پربرکت از ندای ربانی سرچشمه می‌گیرد که ﴿وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾:[۲] «به امید آنکه رستگار شوید کار خوب انجام دهید».

سومین شاخه‌ی رسالت مؤمن، جهاد است ﴿وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ﴾:[۳] «در راه خدا چنانکه سزاوار جهاد در راه اوست جهاد کنید، اوست که شما را برگزید».

جهاد و تلاش مسلمانان برای اعلای شریعت غرای محمدی شاخه‌ای از رسالت اوست. کارزار مسلمانان در تمامی عرصه‌های زندگی، با قلم، زبان، جان، مال و ... عمران و پاکسازی زمین از رذایل و زیباسازی آن با فضایل همه جهاد است؛ بنابراین مسؤولیت مؤمن در قبال خداوند ﴿ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ﴾ است و در ارتباط با جامعه ﴿وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ﴾، ﴿وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦ﴾ است.

---

۱. صحیح بخاری باب الحرث و المزارعة ۲۳۲۰ – صحیح مسلم، باب مساقات ۱۵۵۳

۲. حج: ۷۷

۳. حج: ۷۸

همه‌ی مطالبی که بیان شد پیامبر اسلام ﷺ آن را به نصیحت، حس مسؤولیت و خیرخواهی مسلمان تعبیر می‌کند و می‌فرمایند: (الدِّینُ النَّصِیحةُ. قُلْنَا لَمِن؟ قَالَ: لِلّهِ و لِکتابِهِ و لِرسُولِهِ و لأئمَّةِ الْمُسلمِین و عامَّتِهِم): «دین نصیحت است. گفتیم برای چه کسانی؟ فرمود: «برای الله، کتابش، پیامبرش، پیشوایان و عامه‌ی مسلمانان».

در این بیان نبوی کل دین، نصیحت خوانده شده است، بنابراین عمل ناصحانه و خیرخواهانه مؤمن دین و آیین اوست.

مؤلف این کتاب دکتر عبدالله عبدالرحیم عبادی از علمای برجسته، اندیشمند و فرزانه‌ای است که در آن مسؤولیت مسلمان را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده است: مسؤولیت نسبت به خود، خانواده، جامعه، دولت و ...

دکتر عبدالله عبادی، از علمای معاصر و از ساکنین شهر دوحه قطر می‌باشد. وی در بندر عسلویه به دنیا آمده و از همان اوایل کودکی علاقه‌مند به تحصیل علوم دینی بود. به همین سبب خدمت علامه شیخ احمد سعادتی می‌رسند تا دروس مقدماتی را نزد وی بیاموزند. بعد از مدتی به دوحه قطر و بعد به عربستان سعودی و سرانجام به سوریه و مصر سفر می‌کنند و نزد علمای اسلام و در دانشگاه‌های مکه، مدینه، سوریه و در پایان در جامعة الازهر تحصیلات خود را ادامه می‌دهد و به أخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا در رشته‌ی حقوق و مبانی فقه موفق می‌شود.

دکتر عبدالله در زمینه‌های مختلف اخلاقی، علمی، ادبی، اجتماعی و فقهی کتاب تألیف و منتشر کرده و بخشی از آن‌ها را به کتابخانه‌های مسلمین اهداء نموده است. خداوند به وی و همه‌ی دعوتگران و تلاشگران راه حق جزای نیکو عطا فرماید.

انتخاب کتاب برای ترجمه همان انگیزه‌ای است که هدف تمام خیرخواهان نیز بوده است، علاوه بر این، موضوع کتاب مسؤولیت و خیرخواهی است و دارای مطالب ارزنده‌ای است که برای جامعه‌ی اسلامی مفید واقع می‌شود و این‌جانب با بضاعت مزجات به ترجمه‌ی آن پرداختم و معترفم که در این مورد لغزش و شاید ایهام باشد. امیدوارم خواننده‌ی محترم لغزش را اصلاح و مترجم را از آن آگاه سازد.

و السلام علی من اتبع الهدی.

محمود خوش‌خبر ۱۳۸۶/۷/۱ هـ . ش

مقدمه‌ی مؤلف

ستایش خداوند را سزد و درود و سلام بر فرستاده‌ی خدا و بر خاندان و یاران و پویندگان راه وی باد. دین اسلام خصوصیاتی دارد که دیگر ادیان آسمانی و قوانین وضعی موجود ندارند، مثلاً در زمینه‌ی عبادت، معاملات، اقتصاد، جامعه، تعلیم، تربیت، آداب، اخلاق، نظارت و مراقبت ...

چرا دین اسلام این همه ویژگی را نداشته باشد، در حالی که آخرین دین از ادیان آسمانی تا روز قیامت است.

یکی از خصوصیاتی که این دین بزرگ را ممتاز کرده، مسؤولیت‌شناسی در مقابل دیگران است، این احساس مسؤولیت کاملاً با مسؤولیت‌های دیگر انسان متفاوت و منحصر به فرد است، زیرا این نوع وظیفه‌شناسی در نتیجه‌ی نظارت خدا بر انسان و ترس وی از آفریدگار و طمع در پاداش بزرگ، از درون، حقیقت و گوهر انسان مسلمان سرچشمه می‌گیرد.

به‌عبارتی دیگر این وظیفه‌شناسی و احساس مسؤولیت، هیچ کس بر عهده‌ی انسان نگذاشته است و پیگیرد قانونی و ترس از مجازات هم آن را به وجود نیاورده است، بلکه در حقیقت این همان تقواپیشگی و بندگی است که موجب تقرب انسان به مولا می‌شود. این مدعایی است که دشمنان هم به آن گواهی می‌دهند. دو ژنرال فرانسوی در سال ۱۹۴۶ مقاله‌ای نوشتند و در آن گفتند: «ما همه‌ی تلاش و تجربه‌ی خویش را در زمینه‌ی نظام‌های اقتصادی و سرمایه‌داری و اداری به‌کار برده‌ایم و شکست خورده‌ایم، و مهم‌ترین چیزی که باعث شکست ما شد رعایت نکردن عدالت در توزیع و نبود نظارت بوده است و متوجه شدیم که در اسلام چیز عجیبی وجود دارد،

زیرا نظارت در آن‌جا از یک شخص بر شخص دیگر و یا یک گروه بر گروه دیگر نیست، بلکه نظارتی که اسلام آورده این است که انسان باید مواظب رعایت حدود پروردگار باشد و این مواظبت از وجدان درونی انسان سرچشمه می‌گیرد؛ وجدان به تنهایی در واقع نیروی مخفی و پلیس نامحسوس است».[۱]

در اسلام احساس مسؤولیت در زندگی افراد و گروه‌ها دارای اهمیت و فواید مهم فراوانی است، و همه‌ی جامعه را در بر می‌گیرد، به طور کلی سلامتی و تباهی وضعیت اجتماعی و کلیه‌ی امور اجتماعی به احساس مسؤولیت و وظیفه‌شناسی بستگی دارد. در یک جامعه هرگاه فرمانروا و مسؤول اصلاح شود شهروند هم اصلاح می‌گردد و بر عکس هر گاه فرمانروا به تباهی رود و فاسد شود مردم هم فاسد می‌شوند. صلاحیت فرمانروا به این معناست که خود را در هر امر کوچک و بزرگی بازخواست کند و اعمال نیک و بد خود را مقایسه کند و باور داشته باشد که در پیشگاه خداوند مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

برای اینکه جامعه یک جامعه‌ی قوی و سالم و از ناهنجاری‌های اجتماعی به دور باشد دین مبین اسلام، مسؤولیت را بر عهده‌ی همه‌ی افراد جامعه اعم از زن و مرد، حاکمان و شهروندان گذاشته است، البته بجز کودکان، و دیوانگان که این‌ها مکلف نیستند.

با قرار دادن مسؤولیت بر دوش همه‌ی افراد و گروه‌ها توازن در اجتماع به وجود می‌آید، و هر فرد از افراد جامعه می‌داند که باید جوابگوی کردار و گفتار و منویات خویش باشد و از این راه اهداف والای انسانی و اسلامی و مقصدی که شریعت فرزانه آن را دنبال می‌کند تحقق می‌یابد.

---

۱. ن ـ ک "الاعمال المصرفية و الاسلام" استاد مصطفى الهمشرى و همچنین کتاب «الآداب و الأخلاق الإسلامية» از همین مؤلف.

اساس مسؤولیت

مبنای مسؤولیت‌پذیری در اسلام این گفتار پیامبر ﷺ است: (کُلُّکُمْ راعٍ وَ مَسؤولٌ عَن رَعیَّتِه؛ فالإمامُ راعٍ وَ مَسؤولٌ عَن رَعیَّتِهِ والرَّجُلُ راعٍ ومَسؤولٌ عَن رَعیَّتِهِ، وَالمَرأةُ راعیَةٌ عَلَی بَیتِ زوجِها وَوَلَدِها و مسؤولةٌ عَنهُم، وَ عَبْدُ الرجل راعٍ علَی مالِ سَیِّدِهِ، و مَسؤولٌ عَن رَعیَّتِه، ألاَ فَکُلُّکُمْ راعٍ وَ مسؤولٌ عن رَعیَّتِهِ):[1] «همه‌ی شما مسؤولیتی دارید و از حوزه‌ی مسؤولیت خویش بازخواست می‌شوید، بنابراین امام و رهبر جامعه در برابر رعیت مسؤولیت دارد، مرد سرپرست خانه است و نسبت به افراد تحت مسؤولیت خود بازخواست خواهد شد، زن در خانه‌ی شوهر و نسبت به فرزندان مسؤولیت دارد و نسبت به افراد تحت مسؤولیت خود بازخواست خواهد شد، و خدمتکار نسبت به اموال آقایش مسؤولیت دارد، باید پاسخ‌گو باشد، آگاه باشید که همه‌ی شما مسؤولیت دارید و هر کس نسبت به مسؤولیتش باید پاسخ‌گو باشد».

طیبی می‌گوید: در این حدیث راعی (سرپرست) مطلوب به ذات نیست بلکه وی تعیین شده تا از چیزی که مالک مقرر کرده حفاظت نماید. از این‌رو سزاوار است که سرپرست تنها در چیزی دخل و تصرف کند که شارع دستور داده است، و این من باب تمثیل است و لطیف‌تر و جامع‌تر و بلیغ‌تر از این حدیث در این باب وجود ندارد. در ابتدا به صورت مجمل

---

۱. بخاری باب العبد راع فی مال سیده، مسلم (ح ۳۴۰۸) باب فضیلة الامام العادل

سپس مفصّل و به طور مشروح بیان شده و در پایان همان مطلب را برای تأکید با حرف تنبیه می‌آورد.

برخی اندیشمندان گفته‌اند: لفظ عام "راعی" شامل همه‌ی افراد جامعه می‌شود حتی شخصی که همسر، فرزند، خدمتکار و افراد تحت تکفل ندارد هم شامل می‌شود، زیرا انسان نسبت به اندام بدن خویش مسؤولیت دارد، او اندام خویش را ملزم به اجرای فرامین الهی می‌نماید و آن‌ها را از ارتکاب زشتی‌ها باز می‌دارد، بدین جهت اندام انسان افراد تحت مسؤولیت وی می‌شود: و راعی بودن انسان منافاتی با رعیت بودنش ندارد، یعنی می‌شود انسان در عین اینکه راعی است، رعیت هم باشد.

در ادامه‌ی این حدیث در روایت انس جمله‌ی دیگری آمده است: (فَأَعِدُّوا لِلمَسأَلَةِ جَواباً): «برای این مسأله جوابی آماده سازید». گفتند: جواب آن چیست؟ فرمود: (أعْمالُ البِرِّ): «کارهای نیک».[1]

طبرانی در کتاب "الاوسط" به نقل از ابو هریره رضی الله عنه حدیثی را روایت می‌کند: (ما مِنْ راعٍ إلاّ يُسألُ يَومَ القِيامَةِ، أ قامَ أمْرَ اللهِ أمْ أضَاعَهُ):[2] «هیچ سرپرست و عهده‌دار مسؤولیتی وجود ندارد مگر اینکه در قیامت از وی پرسیده می‌شود که: آیا فرمان خدا را در مورد رعیت اجرا کرده و یا آن را زیر پا نهاده و نسبت به آن بی‌توجه بوده است»؟

ابن عدی حدیثی را با سند صحیح از انس رضی الله عنه نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: (اِنَّ اللهَ سَائِلٌ كُلَّ راعٍ عَمَّا اِسْتَرْعَاهُ، حَفِظَ ذلكَ أوْ ضَيَّعَهُ):

---

۱. ابن عدی و طبرانی در الاوسط با سند صحیح آورده‌اند. (ح ۳۷۱۴ معجم الاوسط، طبرانی).

۲. المعجم الاوسط، طبرانی (ح ۸۹۵۶)

«خداوند از هر صاحب مسؤولیتی در مورد کسانی که مسؤولیتشان را به عهده دارد می‌پرسد که آیا مسؤولیت خود را نسبت به زیردستان انجام داده یا که حقوق آن‌ها را ضایع کرده است»؟

حافظ ابن حجر در تعریف راعی می‌گوید: راعی همان فرد مورد اطمینان و متعهدی است که امانتی را که به وی سپرده شده حفظ نماید و عدالت را درباره‌ی آن رعایت نموده و به نفع آن اقدام کند.

خطابی می‌گوید: «امام (فرمانروا) رجل (مرد) و همه‌ی کسانی که در این حدیث از آن‌ها نام برده شده است راعی نامیده شده‌اند، یعنی همه در این نامگذاری مشترک اند، ولی مفهوم راعی برای هر کدام متفاوت است، راعی بودن پیشوای بزرگ (رهبر) با اجرای قوانین اسلام در جامعه، و رعایت عدالت و دادگستری در حکومت است. و راعی بودن مرد در خانواده به این مفهوم است که خانواده را مدیریت و حقوق آن‌ها را ادا کند. و راعی بودن زن به معنی، اداره‌ی خانواده و امور مربوط به فرزندان و خدمتکاران است و در همه‌ی این موارد نسبت به شوهرش خیرخواه باشد. و راعی بودن خدمتکار به معنی نگه‌داری و حفاظت از اموال و اشیائی است که در اختیارش گذاشته شده و انجام دادن کارهایی است که به عهده‌ی اوست.

هرگز مفهوم حدیث این نیست که مسؤولیت را در این چهار کس منحصر کند، بلکه این حدیث پایین‌ترین و بالاترین فرد مسؤول در جامعه را نام برده و افراد دیگر مسؤول را جا گذاشته (تا بگوید همه‌ی افراد در جامعه مسؤولیت دارند). این حدیث مانند این سخن پیامبر است که می‌فرمایند: (الإيمانُ بِضْعٌ و سَبعونَ شُعبَةً فأفْضَلُها: قولُ لا إله إلاّ الله، وأدْناها إمَاطَةُ الأذَى عَنِ الطَّرِيقِ): «ایمان هفتاد و چند قسمت است که برترین آن‌ها گفتار لا اله الا الله و پایین‌ترین آن‌ها پاک‌کردن راه و مسیر مردم از آزار و اذیت است».

این حدیث از سخنان جامع پیامبر ﷺ است که چهار تا از مسؤولین شاخص در جامعه را ذکر نموده و بقیه را شامل این سخن جامع خویش کرده است که: (كُلُّكُمْ راعٍ و مَسْؤولٌ عَنْ رَعيَّتِه): «همه‌ی شما مسؤولیت دارید و هر مسؤول در مورد افراد تحت سرپرستی خود بازخواست می‌شود».

مسؤولیت امام (پیشوا) نسبت به افراد جامعه

۱. پیشوا به چه کسی گفته می‌شود؟
۲. جایگاه پیشوا در جامعه و همچنین جایگاه پیشوای عادل نزد خداوند در روز قیامت.
۳. مسؤولیت پیشوا نسبت به ملتش، در امور زیر:

الف) امور مثبت:

۱. حاکمیت شریعت خداوند در میان مردم.
۲. انتخاب اعضای شورا و مشاوران
۳. فراهم کردن امنیت داخلی و خارجی جامعه
۴. توسعه‌ی وضعیت معیشت مردم
۵. فراهم کردن بهداشت و درمان برای عموم افراد جامعه
۶. فراهم کردن آموزش برای عموم افراد جامعه

ب) امور منفی

۱. وسایل تبلیغاتی
۲. کتاب‌های گمراه‌کننده، روزنامه‌ها و مجلات رواج‌دهنده اباحی‌گری.

مسؤول اول: پیشوا[1]

منظور از پیشوا، حاکم، پادشاه، فرمانروا، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و کسانی که چنین مسؤولیتی دارند، و کلیه کسانی که در جامعه قدرت عملی یا اجرایی دارد مانند: وزیر، قاضی، رئیس اداره، رئیس دانشگاه، مدیر مدرسه و ... است، ولی نسبت به ملت بزرگ‌ترین مسؤولیت بر دوش حاکم و فرمانروا (شخصیت اول مملکت) است، زیرا او مسؤول اول است و قدرت کامل در اختیار اوست. او اولین مسؤولی است که می‌تواند برای ملتش خیر و شر بیاورد، زیرا اگر او سالم باشد ملت و رعیت سالم می‌مانند و اگر او تباه شود به‌دنبال وی مردم تباه و فاسد می‌شوند، زیرا حاکم برای ملت همانند آیینه است و مردم در کردار و گفتار و رفتار او به دقت می‌نگرند و راه و شیوه‌ی او را دنبال می‌کنند و در همه‌ی امور از او تقلید می‌کنند، خواه خیر و یا شر.

حاکم در میان ملت شباهت به قلب دارد به نسبت اعضای دیگر انسان، هرگاه قلب سالم بماند بقیه‌ی اعضای بدن سالم می‌مانند، و اگر قلب فاسد و تباه گردد سایر اعضای بدن فاسد می‌شوند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (ألا إنَّ فی الجَسَدِ مُضْغَةً اذا صَلُحَتْ صَلَحَ الجَسَدُ کلُّهُ، و اذا فَسَدَتْ فَسَدَ الجسدُ کلُّهُ، ألا وهو القَلبُ):[2] «آگاه باشید که در جسم تکه‌گوشتی هست، اگر سالم باشد همه‌ی بدن سالم

---

۱. ن.ک: به کتاب دیگر بنده "من الآداب والاخلاق الإسلامیة"

۲. بخاری و مسلم و ابن ماجه آن را روایت کرده‌اند.

می‌ماند و اگر فاسد شود همه‌ی بدن فاسد می‌شود و آگاه باشید که آن همان قلب است».

امام برای ملتش در همه چیز الگوست: در عدالت و ستم، در تواضع و تکبر، در سخاوتمندی و بخیلی، در اسراف و خسیسی، در نظم و بی‌نظمی. این چیزی است که در جوامع معاصر امروز کاملاً ملموس و قابل توجه است و هر کس کم‌ترین بهره از تیزهوشی و زیرکی برده باشد آن را می‌داند. بنابراین جامعه‌ای که از پیشوای سرآمد، مدیر، مدبر، کاردان و دادگر برخوردار باشد مردم را به جهت تکامل و پیشرفت هدایت می‌کند و عکس آن پیشوایی ناکارآمد و ستمگر است. به همین دلیل اولین کسانی که خداوند آنان را در روز قیامت زیر سایه‌ی عرش خویش قرار می‌دهد امام عادل است. پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرمایند: (سَبعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللهُ تَعالَى يَومَ القيامَةِ تَحْتَ ظِلِّه يَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ: إمامٌ عادلٌ و شابٌّ نَشَأَ في عِبادَةِ اللهِ و رَجُلٌ قَلبُهُ معلَّقٌ بالمَسجِدِ، إذا خَرَجَ مِنهُ حتّى يَعُودَ إليه، و رَجُلانِ تَحابّا في اللهِ، فاجْتَمَعا علَى ذلكَ، و افْتَرَقا عليه، و رجلٌ ذَكَرَ اللهَ خالياً، فَفاضَتْ عَيناهُ، و رَجُلٌ دَعَتْهُ امراةٌ ذاتُ مَنصَبٍ و جَمالٍ، فقالَ إنِّي أخافُ اللهَ ربَّ العالمينَ و رجلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقةٍ، فأخفاها حتّى لا تَعلَمُ شِمالُهُ ما تُنفِقُ يَمينُهُ):[۱] «خداوند هفت گروه را در روز قیامت، روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی رحمت او نیست زیر سایه‌ی رحمتش قرار می‌دهد: ۱. امام (حاکم) عادل ۲. جوانی که در عبادت خداوند رشد یافته است. ۳. مردی که به مسجد دل بسته است، از وقت خارج شدنش از مسجد تا بازگشت به آن

۱. صحیح بخاری (ح ۶۲۰)، صحیح مسلم (ح ۱۷۱۲)، مسند احمد (ح ۹۲۸۸)، نسائی (ح ۵۲۸۵)، ترمذی (ح ۲۳۱۳).

لحظه شماری می‌کند. ۴. دو نفر که به خاطر خدا همدیگر را دوست داشته باشند، و اساس دوستیشان و نیز جدایی آن‌ها از همدیگر تنها خداوند باشد. ۵. مردی که در خلوت خدا را ذکر کند و چشمانش پر از اشک شود. ۶. مردی که زن صاحب منصب و زیبایی برای کام‌جویی او را بخواند ولی او در پاسخ بگوید من از پروردگار جهانیان می‌ترسم. ۷. کسی که در صدقه دادن طوری عمل کند که دست چپش از داده دست راستش اطلاع نیابد (کنایه از پنهان کاری در صدقه دادن به مستمند).

در این حدیث امام عادل در رأس این هفت گروه قرار دارد و این امر بیانگر جایگاه عظیمی است که امام در روز قیامت دارد و البته به شرطی که در فرمانروایی و داوری عادل بوده و وظایف خویش را نسبت به ملت به خوبی انجام داده باشد.

عیاض بن حمار ﷺ می‌گوید: من از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: (أهلُ الجنَّة ثلاثةٌ: ذو سُلطانٍ مُقسِطٍ مُوفَّق و رَجَلٌ رَحیمٌ رقیقُ القَلبِ لِکُلِّ ذِی قُربَی و مُسلمٍ، و فقیرٌ عفیفٌ مُتَصَدِّقٌ):[1] «اهل بهشت سه گروه هستند: حاکم عادل موفق، مردی مهربان و نرم‌دل نسبت به همه‌ی خویشاوندان و مسلمانان، و فقیر پاک‌دامن و پرهیزگار که صدقه می‌دهد».[2]

حاکم اگر ستمگر و مستبد و خودرأی باشد و قوانین اسلام را پشت سر اندازد در روز قیامت جایگاه پست و دردناکی دارد. پیامبر خدا می‌فرماید: (اللّهمَّ مَنْ وَلَّی مِنْ أمْرِ أمَّتِی شیئاً، فَشَقَّ عَلیهِم فاشْقُقْ عَلیهِ، و مَنْ وَلَّی

۱. شعب الایمان، بیهقی (ح ۱۰۶۰۴) اخرجه المسلم فی الصحیح.
۲. صحیح ابن حبان باب ثلاثة یدخلون الجنه من هذه الأُمة (ح ۷۵۷۶).

مِنْ أمْرِ أمَّتِی شَیئاً فَرَفَقَ بِهِم، فارْفُقْ بِه):[1] «پروردگارا، هر کس مسؤولیتی از امتم را عهده‌دار شد و بر مردم سخت گرفت و مردم را در فشار قرار داد تو هم بر او سخت گیر و اگر کسی که کار امت مرا بر عهده گرفته با نرم‌خویی با آن‌ها رفتار کرد تو هم با او به نرمی و عطوفت رفتار کن».

عائذ بن عمرو رضی الله عنه می‌گوید: که بر عبیدالله بن زیاد وارد شدم و به او گفتم: پسرم، من از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: (إنَّ شَرَّ الرِّعا الحُطَمة، فإیّاکَ أنْ تکونَ منهُم):[2] «بدترین حاکمان حاکم ستمگر بی‌رحم و سخت‌گیر است، پس مبادا تو جزو آنان باشی».

ابی مریم ازدی خطاب به معاویه گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: (مَن ولاّهُ اللهُ شیئاً مِن أمورِ المُسلمینَ، فاحْتَجَبَ دونَ حاجَتِهِم، و خَلَّتهِم، و فَقرِهِم، احتَجَبَ اللهَ دونَ حاجَتِه، و خَلَّتِه و فَقْرِه یومَ القیامَة):[3] «کسی که خداوند مسؤولیتی از امور مسلمانان را به عهده‌اش گذارده و به نیازمندی، کمبود و تنگدستی آن‌ها رسیدگی نکند، خداوند به نیازمندی و کمبود و تنگدستی وی در روز قیامت رسیدگی نمی‌کند».

به‌راستی ابوبکر صدیق رضی الله عنه حقیقت مسؤولیت را خوب فهمیده بود، هنگامی‌که امور مسلمانان را بر عهده گرفت و خلیفه‌ی مسلمین شد بر منبر بالا رفت و فرمود: «من حاکم (سرپرست) شما شدم ولی از شما بهتر نیستم؛ قرآن نازل شده و پیامبر سنت‌هایی بر جای گذاشته و به ما آموخته

---

۱. صحیح مسلم ۳۴۰۷ باب فضیلة الامام العادل

۲. مسلم (ح ۳۴۱۱) باب فضیلة الامام العادل و عقوبة الجائر

۳. سنن ابوداود (ح ۲۵۵۹) باب فی مایلزم الامام من أمر الرَّعیة

است، بدانید ظریف‌ترین دانایان فرد باتقواست، نادان‌ترین نادانان گناهکار است، و قوی‌ترین شما نزد من ضعیف است تا اینکه حق را از او بگیرم، و ضعیف‌ترین شما نزد من قوی است تا حق را برای او بگیرم. ای مردم من فقط یک پیرو هستم و مبتدع (بدعت‌پیشه) نیستم،[۱] لذا اگر نیکی کردم مرا یاری دهید و اگر کج شدم مرا راست کنید».

روایات متواتری وجود دارد که ابوبکر رضی الله عنه وصیت کرد که بعد از انتهای مدت خلافتش اموال اضافی‌اش را به خلیفه‌ی بعد از او تحویل دهند، ولی بعد از او اگر هم چیزی یافت شده بود قیمت همه‌ی آن‌ها چند درهم بیش‌تر نبود که به عمر رضی الله عنه تحویل داده شد، آنگاه عمر گفت: «خداوند ابوبکر را مورد رحمت قرار دهد به‌راستی کسی را که بعد از وی آمده در سختی انداخته است».

اما توجه عمر رضی الله عنه به امور مسلمانان و احساس مسؤولیت کردن در قبال آن‌ها و بی‌رغبتی وی به دنیا تا اندازه‌ای بود که روزی کاهی از زمین برداشت و گفت: «کاش من این علف (کاه) بودم، کاش من چیزی نمی‌بودم، کاش مادرم مرا متولد نمی‌کرد». [این حال کسی است که مسؤولیت را سنگین می‌بیند و ترس آن دارد که نتواند آن طور که خدا را خشنود کند عمل کند].

قبل از مرگش فرمود: «اگر ان‌شاء الله زنده بمانم به خاطر خدا یک سال در میان مردم می‌گردم و به بررسی احوال آن‌ها می‌پردازم، زیرا می‌دانم که مردم نیازهایی دارند که از آن‌ها بی‌اطلاع هستم، نه کارگزارانم مرا در جریان امر قرار می‌دهند و نه خود مردم، پس به شام می‌روم و دو ماه در آن

---

۱. مطابق سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم و بدون کم و زیاد عمل می‌کنم. (مترجم)

جا می‌مانم، دو ماه در کوفه، دو ماه در بصره و ... به خدا که این بهترین سال من خواهد بود».

از مواردی که اهمیت احساس مسؤولیت را نزد عمر نشان می‌دهد این است که فرمود: «محموله (باری) که در رودخانه‌ی فرات از بین می‌رود، می‌ترسم خداوند درباره‌ی آن از من سؤال کند».

وقتی از عمر پرسیدند: از اموال بیت المال چه چیزی برای او حلال است؟ گفت: دو جامه (پیراهن) برایم حلال است: یکی برای زمستان و دیگری برای تابستان، مرکبی برای حج و عمره، خرجی خود و خانواده‌ام، همانند خرجی مرد متوسطی از قریش، نه مانند ثروتمندترینشان و نه مانند فقیرترینشان، پس از این من مردی از مسلمانانم که هر چه به آنان می‌رسد به من هم می‌رسد».

او لباسی پینه‌شده می‌پوشید و بسیاری اوقات در حالی که خلیفه و حاکم بود با این لباس‌ها دیده شده است.[۱]

خوراک وی نان خشک، همراه روغن یا کره و یا شیر بود. در خشکسالی و قحطی، با اینکه کره با سلامتی وی سازگار نبود تحمل می‌کرد و به سراغ خوراک بهتری نرفت تا این که خشکسالی از بین رفت.

هرکاری را که انجام می‌داد و یا نمی‌داد فقطً به خاطر ترس از خدای والامرتبه و بازخواست او بود

نمونه‌ی دیگر از حاکمان مسؤولیت‌شناس، خلیفه‌ی راشد، عمر بن عبدالعزیز رحمه الله است. هنگامی که به عنوان خلیفه انتخاب شد همه‌ی دارایی خود را حتی زیورآلات همسرش را به بیت المال سپرد.

---

۱. علی رضي الله عنه می‌فرماید: پیراهن عمر بن الخطاب رضي الله عنه را دیدم که ۲۱ وصله‌ی پوستی و پارچه‌ای داشت.

عطاء بن ابی رباح از فاطمه همسر عمر بن عبدالعزیز نقل می‌کند که فاطمه بر عمر بن عبدالعزیز وارد شد در حالی که در عبادت‌گاه خود نشسته و اشک بر محاسن او جاری بود. فاطمه پرسید: ای امیرالمومنین، اتفاقی افتاده است؟ جواب داد: «ای فاطمه، کلیه‌ی کارهای امت اسلام به عهده‌ی من گذاشته شده است، لذا به فقیر گرسنه، بیمار تلف شده، برهنه‌ی تلاش‌گر به زحمت افتاده، ستمدیده‌ی از پا در آمده، غریب دربند، پیرمرد مسن، عیال‌وار کم درآمد و یا افراد دیگری مانند آن‌ها در سراسر زمین فکر کردم و می‌دانم که خداوند در روز قیامت درباره‌ی همه‌ی آن‌ها از من می‌پرسد، ترسیدم که حجتی نداشته باشم، به همین خاطر گریه کردم».

محمد مروزی می‌گوید: هنگامی که عمر بن عبدالعزیز خلافت را بر عهده گرفت رئیس پلیس آمد که بر حسب عادت خلفای قبلی با سرنیزه جلوی حرکت کند. عمر گفت: از من کناره بگیر، من همچون مردی از مسلمانانم. سپس در میان مردم حرکت کرد تا به مسجد وارد شد. خطبه‌اش که تمام شد از منبر پایین آمد، مرکب مخصوص خلافت برای او آوردند، گفت: این چیست؟ گفتند: مرکب مخصوص خلافت است. گفت: هیچ نیازی به آن ندارم، چهارپای خودم را بیاورید. چهارپایش را آوردند، بر آن سوار شد و به خانه‌اش رفت. وقتی به خانه رسید در خواست کرد برایش قلم و کاغذ بیاورند و با دستان خود به مناطق تحت قلمروش نامه نوشت. محمد مروزی در ادامه می‌گوید: فکر می‌کردم که توان ندارد اما هنگامی که هنرش را در نوشتن دیدم فهمیدم که توان‌مند است.

روزی مردی به او گفت: ای امیرالمومنین، خداوند به تو نعمت داده، پس چه خوب است که لباس‌های خوب بپوشی. عمر کمی سرش را پایین آورد، اندیشید و آنگاه سرش را بلند کرد و گفت: بهترین میانه‌روی در وقت توانگری است و بهترین گذشت در وقت توانایی است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در کتابش «السیاسة الشرعیة» ذکر کرده است: ابومسلم خولانی بر معاویه بن ابی سفیان وارد شد و گفت: السلام علیک ایها الأجیر، اطرافیان گفتند: بگو امیر. معاویه گفت: ابومسلم را آزاد بگذارید، او به آنچه می‌گوید آگاه‌تر است. سپس ابومسلم گفت: در حقیقت تو اجیر هستی، صاحب این گوسفندان تو را به اجرت گرفته تا از آن‌ها نگه‌داری کنی، تو اگر به گوسفندان گری قطران بزنی و بیمارانشان را درمان کنی و گری‌ها را از بیماران آن‌ها جدا سازی، صاحب گوسفندان اجرت را کاملاً خواهد داد، و اگر این کارها را نکنی صاحبش تو را مجازات خواهد کرد.

ابن تیمیه رحمه الله در ادامه می‌گوید: پندگیری از این سخن آشکار است، زیرا مردم بندگان خدا و حاکمان نمایندگان خدا بر بندگان هستند. حاکمان وکلای مردم‌اند که بر آن‌ها حکومت می‌کنند و مفهوم ولایت و وکالت بر این حاکمان صدق می‌کند. هرگاه ولی و یا وکیل مردی را به نیابت از خود انتخاب کند و امور تجاری، زمین و املاک را در اختیار او بگذارد و در مقابل این مرد کالاهای گرانبها را به بهای ناچیزی بفروشد در حالی که خریدار بهتری برای این کالاها یافت شود این مرد به صاحب خود خیانت کرده است. مخصوصاً اگر این کار میان دو فردی باشد که همدیگر را دوست داشته و محبت و نزدیکی میان آن‌ها بوده باشد، صاحب زمین و تجارت از او عصبانی می‌شود و نکوهشش می‌کند و متوجه می‌شود که فرد نزدیک به او به وی خیانت کرده است.

بنابراین حاکم در پیشگاه خداوند مسؤولیت خیر و شر ملت را به عهده دارد و مسؤولیت ایفای حقوق آن‌ها را دارد و نیز مسؤول امنیت و سلامتی و محافظت از آنان در برابر دشمنانشان و جلوگیری از تجاوز به آن‌ها می‌باشد و مکلف است که در میان ملت به عدالت رفتار کند، هرگز بر کسی

ستم روا ندارد و به فرد یا گروه خاص گرایش پیدا نکند. «و مردم مانند دندانه‌های شانه نزد او برابرند» و در اجرای قوانین و تطبیق شریعت در میان آنان و نیز در بخشش و هدایا هیچ فرقی میان آنان نیست.

حقوقی که ملت بر حکومت دارد به‌طور مختصر به شرح زیر است:

الف) امور مثبت:

۱. نخست و پیش از هر چیز حکومت مسؤول برپایی قوانین الهی در میان ملت است، که این با اجرای موازین شرعی، و اجرای بایدها و نبایدها بر اساس قرآن و سنت صورت می‌گیرد.

۲. اعضای شورا و مشاوران خود را از میان کسانی انتخاب کند که از خدا می‌ترسند، مشاورانی که در مورد هر گناه کوچک و بزرگی خداوند را بر خود مراقب می‌دانند و مرتکب گناه نمی‌شوند. کسانی که او را در اجرای حق یاری دهند و او را از ناحق دور نمایند. وزیران، کسانی که مسؤولیت مهم کشوری و لشکری به آنان واگذار می‌شود، از میان کسانی برگزینند که به خوبی از خدا می‌ترسند، زیرا مردم در دست امام امانت هستند، لذا واجب است آن‌ها را به امانتدار بسپارد تا در حق آن‌ها خیانت روا ندارد و امام باید بداند که در کم‌کاری و سهل‌انگاری وزیران و مدیران اداره‌ها در مسؤولیتشان و نیز در رعایت حقوق مردم در پیشگاه خداوند بازخواست می‌شود.

۳. فراهم کردن امنیت داخلی: مردان کارآزموده و مخلصی را مسؤول امنیت نماید که از مصالح و منافع بندگان پاسداری می‌کنند و برای راحتی مردم از هر زحمت و بی‌خوابی و دشواری دریغ ندارند و به مصالح زندگی مردم خدمت می‌کنند.

همچنین حکومت موظف است ارتشی مقتدر و نیرومند به وجود آورد تا از مرزهای حکومت اسلامی پاسداری و از حمله‌ی دشمن جلوگیری نماید.

خداوند بلندمرتبه می‌فرمایند: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾[۱]: «برای (مبارزه با) آنان تا آن جا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) از جمله اسب‌های ورزیده آماده سازید تا به وسیله‌ی آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید». این قدرت و قوت، باید هماهنگ با زمان و مکان باشد (ابزار و آلات جنگی و تاکتیک‌های رزمی به روز باشد).

۴. لازم است حکومت در زمینه‌ی توسعه‌ی وضعیت اقتصادی جامعه طوری عمل کند که برای عموم مردم فرصت کار و کسب فراهم شود و با گشودن زمینه‌های مختلف اشتغال و هموار کردن واردات و صادرات در امر تجارت، سختی‌ها و ناهمواری‌ها در مسیر کسب و کار و درآمد عمومی امور مردم را سازماندهی نماید.

۵. حکومت موظف است در صورت امکان بهداشت جامعه را بهبود بخشد، دارو و درمان مورد نیاز مردم را فراهم کند.

۶. حکومت باید بستر مناسب برای آموزش در زمینه‌های مختلف به ویژه آموزش علوم دینی فراهم کند، زیرا علوم اسلامی پایه‌ی همه‌ی علوم است، و پس از فراگیری علوم اسلامی نوبت به آموزش‌های دیگر مثل پزشکی، مهندسی، کشاورزی و ... می‌رسد. با ساخت و گشایش مدارس و مراکز علمی آموزش را در همه‌ی مراحل برای همه‌ی اقشار جامعه رایگان سازد و دانش‌آموزان و دانشجویان را به فراگیری علم تشویق نماید.

---

۱. انفال: ۶۰

حکومت باید امر آموزش را به آموزگاران و مربیانی از خود مردم بسپارد، نه به افراد بیگانه. کسانی عهده‌دار تربیت و آموزش نماید که از تقوای لازم برخوردارند و از امانت علم و متعلمین محافظت می‌کنند، و نباید آموزگاران و معلمان از میان کسانی که اندیشه‌ی آن‌ها ویرانگر اخلاق نیک است و از ایمان و ادب مورد نیاز برخوردار نیستند گزینش کند. گزینش مربی و معلم در زندگی دانش‌آموز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و بدون رعایت این اصل دانش‌آموز را با اندیشه‌های ویرانگر وارداتی ضد اسلامی بیگانگان نابود کرده‌ایم که آن وقت دیگر پشیمانی فایده‌ای ندارد.

دانش‌آموز معلم خود را به مثابه‌ی آیینهٔ می‌داند و از او الگو می‌گیرد و بر اساس اندیشه و فکر او حرکت می‌کند و از او برنامه‌ی زندگی می‌گیرد. این راجع به معلم بود، قضیه‌ی دوم مربوط به تدوین‌کنندگان برنامه‌ی درسی است، کسانی که نظام آموزشی را تدوین می‌کنند آن‌ها الزاماً باید از تقوای الهی برخوردار باشند، تا بتوانند نظام آموزشی کارآمدی تدوین کنند و نه کسانی که دانسته یا ندانسته حق و باطل را در هم می‌آمیزند و نه غرب‌زدگان دین‌فروش که بدون توجه به اندیشه‌ی بزرگ اسلام بخواهند دست‌آوردهای غربی و منابع فکری آن‌ها را در جامعه‌ی اسلامی ترویج دهند که در این صورت نتیجه‌ی کار معکوس می‌شود و دانش‌آموز در معرض خطر بزرگی قرار می‌گیرد.

ب: امور منفی:

انتخاب عنوان منفی برای این امور به این دلیل است که زیانشان از سودشان بیش‌تر است و در همه‌ی کشورهای اسلامی کم و بیش هست؛ یعنی ساخت و ساز و در همان وقت ویران کردن آن شری است که چاره‌ای از آن نیست.

الف: رسانه‌های خبری مثل رادیو، تلویزیون، اینترنت... امروز از جمله وسایل دو لبه‌ای است که هم در خوبی به‌کار گرفته می‌شود و هم در بدی. مسؤولیت خیر و شر این رسانه‌ها به‌عهده‌ی حکومت اسلامی است. حکومت موظف است اداره‌کنندگان این رسانه‌ها را راهنمایی کند تا آن‌ها را در خدمت دین قرار دهند و برای رساندن دین مبین اسلام به سراسر دنیا از آن‌ها بهره بگیرند، همچنین در خدمت جامعه و وسیله‌ای برای نشر فضیلت باشد، و از رذیلت و آنچه باعث نابودی دین و اخلاق و ارزش‌های والای انسانی جامعه است به دور باشد. حکومت اسلامی هرگز اجازه ندهد این وسایل ابزاری برای نابودی دین و انتشار بی‌بند و باری و پستی و رذیلت در میان مردم باشد. باید کسانی را بر این رسانه‌ها بگمارد که ترس از خدا دارند و در همه‌ی موارد ریز و درشت خود را مسؤول و جوابگو می‌دانند، زیرا در غیر این صورت در قیامت در پیشگاه خداوند بلندمرتبه باید پاسخگو باشند و در آن جا مجازات خواهند شد.

ب: کتاب‌های گمراه‌کننده و مجله‌های مبتذل در ترویج فساد و گمراهی و اشاعه‌ی فحشا همانند رادیو، تلویزیون و اینترنت است، لذا حاکم اسلامی باید کسانی را ناظر بر کار چاپ و نشر آن کند که به آن‌ها اعتماد دارد، اگر چنین نکند در پیشگاه خدای عزوجل مسؤول است و باید پاسخگو باشد.

آنچه بیان شد از مسؤولیت‌های حکومت بود، نخست‌وزیر و وزیران نیز هر کدام به نوبت خود مسؤول کاریست که به عهده‌اش گذاشته شده و در قبال زیردستان خود و در اموال عمومی که در اختیار آن‌هاست و همچنین حقوق مردم مسؤولیت دارند. همچنین رؤسای اداره‌ها، دادستان، مدیر دانشگاه، مدیر مدرسه، همگی در قبال امانت‌هایی که به آن‌ها واگذار شده مسؤولیت دارند و در صورت کم‌کاری بازخواست خواهند شد. زیرا حدیث: (کُلُّکُمْ راعٍ و کُلُّکُمْ مَسؤولٌ عَنْ رَعیَّتِهِ) شامل همه‌ی این موارد می‌شود.

مسؤولیت مرد در خانه‌اش

۱. مسؤولیت مرد نسبت به پدر و مادر
۲. مسؤولیت مرد نسبت به فرزندانش
۳. مسؤولیت مرد نسبت به همسر
۴. مسؤولیت مرد نسبت به نزدیکان و خویشاوندان
۵. مسؤولیت مرد نسبت به خدمتکاران

مسؤول دوم: مرد در خانواده‌اش

وقتی حاکم مسؤول کل جامعه است و وزیر مسؤول جامعه‌ای کوچک‌تر و مدیر کل مسؤول جامعه‌ای کوچک‌تر از آن، مرد هم صاحب خانه و مسؤول اجتماع کوچکی است که بر آن نظارت دارد. جامعه‌ای که از پدر، مادر، فرزندان، همسر و خدمتکاران تشکیل شده است.

۱. مسؤولیت نسبت به پدر و مادر:

هنگامی که پدر و مادر پیر شدند و پا به سن گذاشتند و از اداره‌ی امور مربوط به زندگی خود ناتوان شدند، فرزند موظف است عنایت کامل به آن‌ها داشته باشد، و اگر نیازمند باشند باید هزینه‌ی زندگی آن‌ها را تأمین کند و مرد موظف است از پدر و مادرش در سختی و آسانی حرف‌شنوی و فرمانبری داشته باشد و به آن‌ها احترام گذارد وحتی به آن‌ها "اُف"[۱] نگوید و نسبت به آن‌ها پرخاش نکند.

خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: ﴿إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا ﴿٢٣﴾ وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا﴾:[۲] «هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو

---

۱. منظور کم‌ترین کلمه یا حالاتی که مایه‌ی ناراحتی پدر و مادر شود. (مترجم)

۲. اسراء:۲۳-۲۴

به پیری رسیدند به آن‌ها (حتی) اف مگو و به آنان پرخاش مکن و به آنان سخنی محترمانه بگو، و از روی مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستران و بگو: پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی، تربیت نمودند».

حقوق پدر و مادر ساقط نمی‌شود اگرچه مسلمان نباشند، زیرا خداوند بلندمرتبه فرموده‌اند: ﴿ وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗا ﴾:[1] «هرگاه آن دو تلاش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که تو را بدان دانشی نیست از آنان فرمان مبر، و در دنیا به خوبی با آنان رفتار کن».

۲. مسؤولیت نسبت به فرزندان خردسال:

پیش از هر چیزی باید هزینه‌ی زندگی فرزندانش را به‌طور کامل تأمین کند و در حد توان و با توجه به درآمد ماهیانه‌اش در خوراک و لباس و مسکن آن‌ها کوتاهی نکند. با همه‌ی آنان به‌طور مساوی مهربان باشد، و نیز او مسؤولیت آموزش علوم سودمند به آنان را به‌عهده دارد، به ویژه علوم دینی که سرلوحه‌ی هر علمی است.

پدر مسؤول است فرزندان خود را در مسیر درست زندگی راهنمایی نماید و آنان را براساس اندیشه‌ی اسلامی تربیت کند؛ بر نمازهای پنجگانه و روزه‌ی آنان نظارت داشته باشد و آنان را بر اساس علاقه به نیکوکاری و دور نمودن آنان از پستی و پرهیز از آنچه باعث نابودی ایمان و اخلاق می‌شود بزرگ کند، و برای تشخیص خوب از بد امور سودمند و زیان‌آور را به آنان بیاموزد؛ راه درست و راست را به ایشان نشان دهد تا در آن مسیر

---

۱. لقمان: ۱۵

درست حرکت کنند و راه‌های ویرانگر اخلاق را برایشان معلوم دارد تا از ورود به آن‌ها پرهیز کنند.

پدر باید از آغاز خردسالی فرزندانش را بر مسایل یاد شده تربیت کند تا بر این شیوه عادت کنند و بزرگ شوند. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: (مُرُوا أولادَكم بِالصَّلاةِ لِسَبعٍ وَ اضْرِبوهُمْ عَلَيهْا لِعَشْرٍ)[1]: «فرزندانتان را از هفت سالگی به نماز خواندن فرمان دهید و در ده سالگی به خاطر نخواندن نماز آن‌ها را بزنید». و باز می‌فرماید: (لأنْ يُؤدِّبَ الرَّجُلُ وَلَدَهُ خَيرٌ لَهُ مِنْ اَنْ يَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ):[2] «اگر مرد فرزندش را نیکو تربیت کند بهتر از آن است که یک پیمانه در راه خدا به مستمند کمک کند». در حدیثی دیگر می‌فرماید: (مَا نَحِلَ وَالِدٌ وَلَدَهُ مِنْ نَحْلٍ اَفضَلُ مِن اَدَبٍ حَسَنٍ):[3] «هیچ پدری هدیه‌ای بهتر از ادب خوب به فرزندش عطا نکرده است».

پدر باید فرزندان را از همنشینی با انسان‌های بد و راه رفتن و ارتباط داشتن با آن‌ها دور کند و آن‌ها را از این کار برحذر دارد. شاعر می‌گوید:

لا تَسْأَلْ عَنِ المَرءِ وسَلْ عَنْ جَلِيْسِهِ   فَكُلُّ جَلِيْسٍ بالمجالس يَقْتَدِي

«از وضعیت خود شخص مپرس بلکه از همنشینانش بپرس،
زیرا تمامی افراد از همراهان و همنشینان خود پیروی می‌کنند».

شکی نیست که همنشین و همراه تأثیر زیادی بر روان و رفتار فرد دارد.

---

۱. رواه احمد، ابو داود و حاکم
۲. روایت مسلم، سنن ترمذی، ح ۱۸۷۴ باب ما جاء فی ادب الولد
۳. روایت مسلم و ابو داوود

و چه نیکو و درست فرموده رسول خدا ﷺ: (مَثَلُ الجَلیسِ الصَّالحِ وَ الجَلیسُ السُوء، کَمَثَلِ صاحبِ المِسْکِ وَ کیْرِ الحَدَّاد: لا یَعدمُکَ من صاحِبِ المِسْکِ، إمّا أنْ تَشْتَرِیَه أو تَجِدَ ریحَهُ وَ کیْرُ الحَدّادِ یَحْرِقُ بَدَنَکَ، أو ثوبَکَ، او تَجِدَ منهُ ریحاً خَبیثَةً):[1] «حکایت همنشین درستکار و همنشین بدکار مانند دارنده‌ی مشک و دمه‌ی آهنگری است، دارنده‌ی مشک چیزی از تو نمی‌کاهد یا از او خرید می‌کنی و یا که بویش را استشمام می‌کنی، ولی دمه‌ی آهنگری بدن یا لباست را می‌سوزاند و یا از آن بوی بد به مشامت می‌رسد».

پدر باید مخصوصاً به دختران بیش‌تر توجه کند. آنان را بر اساس فضایل اخلاقی تربیت کند و مسیر منتهی به انحراف و پستی را برای آنان روشن سازد، زیرا دختر در آینده مادر می‌شود و نسل‌های بعدی را تربیت می‌کند، پس باید به آن‌ها خوب توجه کند مبادا در سراشیبی و پرتگاه سقوط قرار گیرند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: (مَنْ عَالَ ثَلاثَ بَناتٍ فَأدَّبَهُنَّ، و زَوَّجَهُنَّ، و أحْسَنَ إلیهِنَّ دَخَلَ الجَنَّةُ):[2] «هرکس سه دختر را سرپرستی کند و آن‌ها را خوب تربیت نماید، به شوهر دهد و به آن‌ها نیکی نماید به بهشت وارد می‌شود».[3]

و فرموده است: (مَنْ عَالَ ثَلاثَ بَناتٍ وَجَبَتْ لَهُ الجَنَّةُ)؛ قیل: یا رسولَ اللهِ! واثْنَتَیْن؟ قالَ: (واثْنَتَیْن) قِیلَ: یا رَسُولَ اللهِ و واحدة؟ قال:

---

۱. روایت بخاری
۲. روایت ابوداود، حدیث ۵۱۴۷ باب فی فضل من عال یتیماً، ترمذی ۱۹۹۴
۳. این حدیث را ابو داود روایت کرده است.

(وواحده):[۱] «هر که سه دختر را سرپرستی کند، بهشت برایش واجب می‌شود». گفته شد: ای رسول خدا، و دو تا هم؟ فرمود: «و دو تا». گفته شد: ای رسول خدا، یکی هم؟ فرمود: «یکی نیز چنین است».

مرد خانه باید مواظب باشد مبادا سه چیز در فرزندانش جمع شود: جوانی، بی‌نیازی، فراغت، که وجود این سه چیز در یک فرد می‌تواند سرانجام بدی برای او داشته باشد.

شاعر می‌گوید:

إنَّ الشبابَ وَ الفَراغَ وَ الْجِدَةَ ... مَفْسَدَةٌ لِلمَرء أيُّ مَفْسَدَة

«جوانی، فراغت و پولداری، برای شخص بزرگ‌ترین تباه‌گری است». این در حالتی که انسان بالغ باشد، حال چه رسد به انسانی که هنوز عقلش پخته نشده که ضرورت مراقبت بر وی بیش‌تر است. خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا﴾:[۲] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌تان را از آتش حفظ کنید».

۳. مسؤولیت مرد نسبت به همسر:

مرد باید هزینه‌ی زندگی زن را به خوبی تأمین کند و در حد توان از اعطای حقوق زن کوتاهی نکند و به نیکی با او معاشرت کند، چون که خداوند بلندمرتبه می‌فرمایند: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ﴾:[۳] «و به نیکی با آن‌ها معاشرت کنید».

---

۱. روایت ابو داوود.

۲. تحریم: ۶

۳. نساء: ۱۹

مردی که چند همسر دارد باید میان همسر و هوویش در تهیه‌ی لباس و خوابیدن در شب و هزینه‌ی زندگی عدالت برقرار کند، ظرفیت داشته باشد و مشکلات ناشی از آن‌ها را تحمل کند. مسایل مربوط به دین را به همسر خود بیاموزد. او مسؤول حجاب و پوشش همسرش، به ویژه در وقت بیرون رفتن از خانه می‌باشد. جابر رضی الله عنه از پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که می‌فرماید: (إنَّ المرأةَ تُقْبِلُ فی صُورةِ شیطان، و تُدْبِرُ فی صُورةِ شیطان فإذا أبْصَرَ أحَدُکُم امرأةً، فأعجَبَتْهُ فَلْیَأتِ اَهلَهُ فإنَّ ذلکَ یَرُدُّ ما فی نَفسِهِ):[1] «زن به شکل شیطان روی می‌آورد و به شکل شیطان پشت می‌کند، هرگاه یکی از شما زنی را دید که در دلش اثر گذاشت و از او خوشش آمد، پیش همسر خود رود، زیرا بدین وسیله آنچه در دل دارد دفع می‌کند و بدین وسیله از وسوسه‌ی شیطان حفظ می‌شود».

از ابن مسعود روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: (المَرْأةُ عَورةٌ فإذا خَرَجَتْ اِستَشْرَفَها الشیطانُ)[2]: «زن عورت است، هرگاه از خانه خارج شود شیطان دیگران را به نگاه کردن به او وا می‌دارد». شیطان این زن را در معرض نگاه مردان زیبا جلوه می‌دهد، شیطان او را گمراه می‌کند و دیگران هم به وسیله‌ی او گمراه می‌شوند؛ یعنی پسندیده نیست که زن

---

۱. روایت مسلم (ح ۲۴۹۱)، ابو داوود، احمد، بیهقی.

۲. ترمذی و طبرانی در "کبیر" آن را روایت کرده‌اند و طبرانی افزوده است: (و إنّها أقرب ما تکون إلی الله و هی فی قعر بیتها): «نزدیک‌ترین حالت زن به الله، بودنش در ته خانه‌اش است». اسنادش صحیح است. [البته در فهم این حدیث لازم است شرایط زمان و مکان و ضرورت و ایفای نقش مثبت زن در جامعه را در نظر داشت].

بدون ضرورت از خانه خارج شود، زیرا می‌تواند عواقب ناگواری در پی داشته باشد.

مرد نسبت به نحوه‌ی رفتار و معاشرت همسرش با زنان دیگر و نیز با مردان در محل کار و جاهای دیگر مسؤولیت دارد.

لازم است که مرد در مکارم اخلاق نمونه و برای فرزندان و همسرش الگو باشد. از امور حرام مثل خوردن مال حرام، گوش دادن به موسیقی‌های نامشروع، و نگاه به فیلم‌های زننده، و نیز از بیدار ماندن در شب برای این گونه مجالس پرهیز کند.

شاعری در این باره گوید:

اذا کانَ ربُّ الْبَیْت بِالدّف ضَارِباً   فَشیمَةُ أهلِ البَیتِ کلُّهُمُ الرَّقْصُ

«اگر مرد خانه دف‌زن باشد، اعضای خانواده رقاص خواهند بود».

۴. مسؤولیت مرد نسبت به خویشاندان:

مرد نسبت به حقوق بستگان و خویشان خود همچون برادر، خواهر، عمه، عمو، دایی، خاله و فرزندانشان مسؤول است. در صورت نیاز با کمک‌های مادی خود به آن‌ها رابطه‌ی خویشاوندی را حفظ کند و اگر آن‌ها به کمک‌های مادی وی نیاز ندارند با دیدار از آن‌ها و پرسش از حال آن‌ها و فرزندانشان پیوند خویشاوندی و صله‌ی رحم را نگاه دارد. و در صورت سهل‌انگاری در این امر مهم در پیشگاه خدا مسؤول خواهد بود. خداوند بلندمرتبه می‌فرمایند: ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِی تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَ﴾[1]: «و از خدایی که به (نام) او از همدیگر درخواست می‌کنید و از (گسستن) پیوند خویشاوندی پروا بدارید». ﴿ وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ

۱. نساء: ۱

وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ ﴾:[1] «حق خویشاوند و فقیر و مسافر را ادا کنید». در حدیث آمده است: (الرَّحِمُ مُعَلَّقَةٌ بِالعَرْشِ تَقُولُ: مَنْ وَصَلَنِي وَصَلَهُ اللهُ و مَنْ قَطَعَنِي قَطَعَهُ الله):[2] «خویشاوندی به عرش خدا آویخته است و گوید: هر که مرا پیوند دهد خدا با او پیوند دارد و هر که مرا ببرد خداوند از او ببرد».

همچنین در حدیث آمده است: (لَيْسَ الواصلُ بِالْمُكافِي ولكِنْ الواصِلُ الَّذِي إذا قَطَعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَها):[3] «واصل (کسی که رابطه‌ی خویشاوندی را پیوسته دارد) آن نیست که با شخصی که با وی صله‌ی رحم انجام داده است، صله‌ی رحم بجا آورد و تلافی کند، بلکه واصل کسی است که با شخصی که پیوند خویشاوندی را بریده و با او صله‌ی رحم انجام نمی‌دهد ارتباط برقرار کند و صله‌ی رحم را با او به جای آورد».

۵. نسبت به خدمتکار خانه:

مسؤولیت مرد نسبت به خدمتکار خانه از این قرار است:

۱. هزینه زندگی روزمره‌اش تأمین کند.

۲. پرداخت حقوق تعیین شده در مقابل کاری که انجام می‌دهد.

۳. بیش‌تر از توانایش از او کار نکشد.

۴. در خوراک و لباس و جای استراحت او سهل‌انگاری نکند.

در همه‌ی این موارد مسؤولیت دارد و باید به وظیفه‌ی شرعی خویش عمل کند.

---

۱. اسراء: ۲۶

۲. روایت بخاری و مسلم و نسایی، امام مسلم (ح ۴۶۳۵).

۳. بخاری، ابوداوود و نسایی آن را روایت کرده‌اند.

مسؤولیت زن در خانه‌ی شوهرش

۱. ماندن در خانه
۲. حقوق همسرش را رعایت کند.
۳. به تربیت فرزندان بپردازد.
۴. از اموال شوهرش محافظت نماید.
۵. هنگام خروج از خانه حجاب شرعی را رعایت کند.
۶. بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه خارج نشود.
۷. در غیاب شوهرش پاکدامنی و کرامت خویش را حفظ کند.
۸. فردی که شوهرش دوست ندارد بدون اجازه به خانه راه ندهد.

مسؤول سوم: مسؤولیت زن در خانه‌ی شوهرش

مسؤولیت زن در خانه را به صورت زیر مختصراً بیان می‌کنیم:

اول: نخستین مسؤولیت زن این است که در خانه بماند تا بهتر بتواند وظایف خود را انجام دهد. وظایفی از قبیل تربیت فرزندان، انجام دادن امور خانه، وظایفی که در مقابل شوهر دارد و ... همه‌ی این کارها فقط با ماندن در خانه حاصل می‌شود. علاوه بر این‌ها ماندن زن در منزل سبب وقار، سنگینی، حشمت، کرامت و بزرگی وی است.

این سخن به معنای زندانی کردن زن در میان یک چهاردیواری نیست، زیرا زن می‌تواند برای بجا آوردن نمازهای پنجگانه به صورت جماعت یا نماز عید و نماز استسقا و زیارت نزدیکان و در صورت نیاز پرستاری بیماران و رفع نیازمندی‌های خود و نیز خرید وسایل مورد نیازش از قبیل، لباس و زینت آلات از خانه خارج شود اما نباید در این خصوص زیاده روی کند، زیرا اصل این است که زن در خانه بماند.[1]

دوم: حقوق شوهر را رعایت کند؛ هرگاه شوهر زن را به بستر فرا خواند اطاعت کند؛ خانه‌ی شوهر را کانون محبت و شادی گرداند؛ هرگز با زبانش شوهرش را نیازارد؛ از فرمان وی که نافرمانی خدا در آن نباشد اطاعت کند. رسول الله ﷺ می‌فرماید: (إذا صَلَّتِ المَرأةُ خَمْسَها و صامَتْ شَهرَها و حَفِظَتْ فَرْجَها و أطاعَتْ زوجَها، قِيلَ لَها ادْخُلی الجَنَّةَ مِنْ أیِّ أبوابِ

---

۱. ر. ک: به دو کتاب بنده: "آداب الزواج والمعاشرة" و "المرأة و مكانتها فی الإسلام".

الجَنَّةِ شِئْتَ): [1] «اگر زنی نمازهای پنجگانه‌اش را بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد و از شرمگاه خویش حفاظت کند و از شوهرش فرمان برد، به او گفته می‌شود وارد بهشت شوید از هر دری از درهای آن که بخواهد».

سوم: مسؤولیت تربیت فرزندان را به کامل‌ترین شیوه انجام دهد. تربیت کار آسانی نیست و هیچ کس بجز مادر نمی‌تواند این وظیفه‌ی سنگین را بجا آورد؛ این مادر است که خداوند عطوفت، مهربانی، توانایی پاسخ به نیازمندی‌ها، صبر در برابر آزار بچه، و تحمل دشواری‌های تربیت شایسته را در نهادش گذاشته است؛ هر کس جز این را بگوید با فطرت، مخالفت کرده و حق را نگفته است.

چهارم: زن باید از اموال شوهرش محافظت نماید، و در راه درست از آن استفاده کند؛ استفاده‌ای جز برای نیازمندی‌های خانه مثل خوراک، پوشاک، برای خود و فرزندان و همسرش نداشته باشد، در استفاده از اموال نه زیاده‌روی کند و نه بخل بورزد، که در پیشگاه خدا جوابگو خواهد بود حتی اگر یک استکان چای و یک قاشق شکر هم بیهوده صرف شود مسؤولیت دارد.

پنجم: زن حق ندارد بدون اجازه‌ی شوهرش و در غیاب او کسی را به خانه دعوت کند، خواه آن شخص آشنا و از خویشاوندان باشد یا ناآشنا و غریب.

ششم: بر عفت و کرامت خویش در غیاب همسرش محافظت کند و خود را در معرض بدگمانی و شک و شبهه قرار ندهد.

هفتم: جز با اجازه‌ی قبلی از همسرش از خانه خارج نشود.

---

۱. مسند امام احمد (ح۳ ۱۵۷)

هشتم: هنگام خروج از خانه به رعایت حجاب شرعی پایبند باشد، زیرا در حجاب زن عظمت، سنگینی و وقار وجود دارد و از اختلاط با مردان بیگانه بپرهیزد و از هر چیزی که باعث بدنامی و بی‌شخصیتی وی می‌شود دوری گزیند.

نهم: زن همچنین در مقابل خدمتکاران مسؤول است، در مقابل کارهای خوب و بد آن‌ها، در قبال اعطای حقوق آنان از قبیل خوردن، آشامیدن، لباس، استراحت و... مسؤولیت دارد. اگر وظیفه‌ی خود را خوب انجام ندهد در روز قیامت باید پاسخگو باشد. زن و مرد هر دو در این رابطه مسؤولیت دارند و هر کدام تکمیل‌کننده‌ی مسؤولیت دیگری است.

دهم: زن در رابطه با اختلاطش با راننده و خدمتکار داخل خانه و کارگران دیگر مسؤولیت دارد. باید از کرامت خود، دختر و کودکان داخل خانه حفاظت کند؛ گرچه مرد نیز مسؤولیت آن‌ها را به عهده دارد.

چیزی که امروزه رعایت تقوای الهی درباره‌ی آن کم شده است، این است که زنان و دختران، خدمتکار خانه یا راننده‌ی خود را مانند یکی از افراد خانواده مثل پدر، پسر، برادر و ... به شمار می‌آورند و در خیلی از موارد در این باره کوتاهی می‌کنند و دختر یا زن در داخل خانه یا در ماشین با این گونه افراد خلوت می‌کنند در حالی که این کار حرام است، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: (لَا يَخْلُوَنَّ أحدُكُم بِامْرَأةٍ؛ فَإِنَّ الشَيطانَ ثَالِثُهما):[1] «هرگز کسی از شما با زنی خلوت نکند، زیرا شیطان سومین نفر آن‌هاست».

و می‌فرماید: (إِيّاكُمْ والدُّخولَ عَلَى النِّساءِ): «شما را از وارد شدن بر زنان باز می‌دارم»؛ مردی از انصار گفت: یا رسول الله، درباره‌ی "حمو"

---

۱. امام احمد، ترمذی، ابن حبان، حاکم و بیهقی آن را روایت کرده‌اند.

(نزدیکان شوهر) چه می‌فرمایید؟ فرمود: (الحَمْوُ الموتُ):[1] «حمو مرگ است».

"حموْ" یعنی برادر شوهر و دیگر نزدیکان شوهر، مانند پسر عمو و ... .

از این رو زنان و دختران باید از این کار بپرهیزند و حتی پسران و دختران کم سن و سال را نیز از آن باز دارند، چرا که در نتیجه‌ی سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و بی‌مسؤولیتی نسبت به این مسأله حوادثی رخ داده که در آن کودکان بی‌گناهی قربانی شده‌اند.

۱. احمد و بخاری آن را روایت کرده‌اند.

مسؤولیت خدمتکار و کارگر

کسی که در خانه‌ی کارفرمایش کار می‌کند، در پیشگاه خدا مسؤول کلیه‌ی چیرهایی است که در اختیار دارد و نسبت به آن‌ها به او اعتماد شده و از آن‌ها پاسداری می‌کند، از قبیل آبروی خانواده، اموال و بچه‌های کوچک. او باید مسؤولیت خویش را به نحو احسن انجام دهد، در کارها مخلص و خیرخواه کارفرمایش باشد. احسان و نیکوکاری چنانکه پیامبر ﷺ فرموده این است که خدا را طوری عبادت کنی که او را می‌بینی، و اگر تو خدا را نمی‌بینی مسلماً خدا تو را می‌بیند. و نیز این سخن ایشان که می‌فرماید: (الدِّينُ النَّصِيحَةُ. قُلنا لِمَنْ يا رَسولَ اللهِ؟ قالَ: للهِ و لِكتابِهِ و لِرَسُولِهِ، و لأئمَّةِ المُسلمينَ و عامَّتِهِم):[۱] «دین نصیحت است. گفتیم: ای رسول خدا، برای چه کسی؟ فرمود: برای خدا، کتاب خدا، پیامبر خدا، پیشوایان و عامه‌ی مسلمانان».

اما مسؤولیت‌پذیری نسبت به کارگری که در خارج از خانه کارهایی به او واگذار شده بدین گونه است که او مسؤول کار خویش است و موظف است کاری که به او سپرده شده به بهترین صورت ممکن و کامل‌ترین وجه انجام دهد. کار را به درستی و کامل انجام دهد و هرگز سهل‌انگاری نکند، زیرا در مقابل خداوند مسؤول است؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: (إنَّ اللهَ تَعالَى يُحِبُّ إذا عَمِلَ أحدُكُم عَمَلاً أنْ يُتْقِنَهُ):[۲] «خداوند والامرتبه دوست

---

۱. صحیح مسلم (ح ۵۵)، ک: الایمان، ب: بیان إنّ الدین النـصیحة. سـنن ابـو داود (ح ۴۹۴۹)، ک: الادب، ب: فی النصیحة. سنن نسائی (۱۵۶). سنن ترمذی (۱۹۲۶)

۲. روایت بیهقی در "شعب الایمان". سیوطی آن را ضعیف می‌داند.

دارد هرگاه یکی از شما کاری را انجام دهد، آن را به تمام و کمال و به درستی انجام دهد»؛ یعنی کارش را خوب انجام دهد، در کارش خیرخواه و دلسوز باشد، گویا که دارد آن کار را برای خودش انجام می‌دهد و در آن هیچ کوتاهی نورزد.

مسؤولیت عالم نسبت به مردم

۱. آموزش به بی‌سواد و ناآگاه
۲. نصیحت به زمامدار با شیوه‌ای نیکو
۳. در انجام دادن کارهای نیک برای دیگران نمونه باشد.
۴. از شهرت‌طلبی و ریاکاری به دور باشد.
۵. امر به معروف و نهی از منکر •

مسؤولیت عالم در مقابل دیگران

عالمی که نعمت علم به وی ارزانی شده اگر به وظیفه‌اش عمل نکند اولین کسی است که در روز قیامت از علمش بازخواست می‌شود. بر او واجب است که امور دین را به ناآگاهان آموزش دهد؛ حاکمان و مسؤولان را نصیحت کند که وظیفه‌ی خود را در برابر مردم به نحو احسن انجام دهند و از ستمگری و استبداد پرهیز کنند؛ در کارهای نیک الگوی دیگران باشد؛ بر نماز جماعت محافظت کند، فروتن باشد و به علمش عمل کند؛ شیطان او را با ریا و شهرت‌طلبی نلغزاند؛ نمونه‌ای باشد که دیگران از وی تقلید کنند، الگوی نیکو باشد؛ از جاهای تردید، شک و شبهه دوری کند؛ به آنچه خداوند از مال حلال روزیش کرده قناعت کند؛ از علاقه و دل بستن به مادیاتی که بسیاری از مردم را به پرتگاه دوزخ کشانده بپرهیزد. اگر عالم این موارد را خوب انجام دهد برای دیگران الگوی خوب، و در غیر این صورت الگوی بد خواهد بود.

بر او واجب است امر به معروف و نهی از منکر کند و در این باره نباید ملامت ملامتگران وی را از وظیفه‌ی شرعی‌اش باز دارد.

همچنین بر او واجب است علومی را که خداوند به او آموخته به مردم آموزش دهد و آن را در میان مردم منتشر کند، زیرا در مقابل همه‌ی آن علوم در پیشگاه خداوند مسؤول است؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: (مَنْ طَلَبَ العِلْمَ لِيُجارِيَ بِهِ العُلماءَ، أو لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهاءَ، أدْخَلَهُ اللهُ النَّارَ):[1]

---

۱. سنن ترمذی (۲۶۵۹)، ترمذی گفته حدیث حسن و صحیح است.

«کسی که علم را به خاطر همچشمی با علما و مجادله با نادانان بجوید خداوند او را به آتش جهنم می‌برد». و باز می‌فرماید: (مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ وَجْهَ اللهِ، لا يَتَعَلَّمُهُ إلاّ لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنيا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ الجَنَّةِ يَومَ القِيامَةِ):[1] «کسی که تنها به خاطر آن‌که بهره‌ای از دنیا بیابد، علمی را که رضای الله در آن جست‌وجو می‌شود بیاموزد، در قیامت بوی بهشت را نیابد». معاذ بن جبل رضی الله عنه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که می‌فرماید: (لَنْ تَزولَ قَدمَا عَبدٍ يَومَ القِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلُ عَنْ أَرْبعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَ أَفْنَاهُ، و عَنْ شَبَابِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ، وَ عَن مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَ أنْفَقَهُ وَ عَنْ عِلْمِهِ مَاذا عَمِلَ بِهِ؟):[2] «در روز قیامت انسان هرگز گامی بر نخواهد داشت تا اینکه از چهار چیز سؤال شود: از عمرش در چه راهی آن را گذرانده و از جوانی‌اش که چگونه سپری کرده و از مالش که از کجا آن را به‌دست آورده و در چه راهی آن را خرج کرده است و از علمش که چه عملی با آن انجام داده است».

---

۱. امام احمد ابو داود و ابن ماجه روایت کرده‌اند.

۲. طبری به اسناد حسن و صحیح این حدیث را روایت کرده است و ترمذی شبیه این روایت را آوردهاست (۲۴۱۹).

مسؤولیت همسایه در برابر همسایه

۱. به او نیکی کند و او را احترام و ارج گذارد.

۲. به او بدی نکند.

۳. او را آزار ندهد.

۴. آزار او را تحمل کند.

مسؤولیت همسایه در برابر همسایه

همسایه کسی است که در کنار خانه‌ی تو سکونت دارد، هر همسایه‌ای نسبت به همسایه‌اش موظف است که به او احترام گذارد و او را تکریم نماید، حقوقش را بپردازد، اگر به چیزی نیاز پیدا کرد به وی بدهد، به او نیکی کند و مانع از رسیدن آزار به او شود.

اول: نیکی کردن به همسایه

خداوند والامرتبه می‌فرماید: ﴿وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا وَبِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱلْجَارِ ذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْجَارِ ٱلْجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلْجَنۢبِ﴾[1] «و به پدر و مادر و به خویشاوندان، یتیمان، درماندگان، بیچارگان، همسایگان خویشاوند و همسایگان بیگانه و همراهان (در سفر و حضر و همکاران) نیکی کنید».

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ):[2] «جبرئیل همواره درباره‌ی همسایه به من سفارش می‌کرد که گمان کردم که او از همسایه‌ی خود ارث خواهد برد». و می‌فرماید: (مَنْ كَانَ يُؤمِنُ بِاللهِ وَ اليَومِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ):[3] «کسی که به الله و روز قیامت ایمان کامل دارد باید همسایه‌اش را احترام گذارد». از جمله

---

۱. نساء: ۳۶

۲. متفق علیه (بخاری: ۶۰۱۴– ۶۰۱۵)، (مسلم: ۲۶۲۴– ۲۶۲۵)

۳. متفق علیه (بخاری ۲۵۶۶)، (مسلم ۱۰۳۰).

مواردی که شامل نیکی کردن به همسایه می‌شود این است که به وی خیر و فایده برساند، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: (یا نساءَ المُسلمات لا تَحقِرَنَّ جارَةٌ جارَتَها، وَ لَو فِرسِن شَاة):[۱] «ای زنان مسلمان، هیچ همسایه‌ای (هدیه‌ای) که به همسایه‌اش می‌دهد ناچیز نداند، گرچه استخوان بی‌گوشتی باشد». و به ابوذر می‌فرماید: (یَا اَبَاذَر، إذَا طَبَخْتَ مَرَقَةً فَأکْثِرْ ماءَها وَ تَعَاهَدْ جیرانَک):[۲] «ای ابوذر، هرگاه آبگوشتی پختی آبش را زیاد کن و همسایه‌هایت را در نظر داشته باش».

همسایه‌ای که دروازه‌ی خانه‌اش (به خانه‌ات) نزدیک‌تر باشد، به نیکی سزاوارتر است، زیرا عائشه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ پرسید: من دو همسایه دارم، به کدام یک هدیه بدهم؟ پیامبر فرمود: (إلی أقْرَبِهما باباً):[۳] «به همسایه‌ای که در خانه‌اش نزدیک‌تر است».

دوم: همسایه را نیازاریم و به او بدی نکنیم

نباید کسی همسایه‌اش را با گفتار یا کردار یا با اشاره آزار دهد؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: (مَن کَانَ یُؤمِنُ بِالله وَ الیَومِ الآخِرِ فَلا یُؤذِی جَارَهُ):[۴] «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را نمی‌آزارد».

و باز می‌فرماید: (واللهِ لایُؤمِنُ واللهِ لا یُؤمِنُ فقیلَ لَه: مَنْ هُوَ یا رَسَولَ اللهِ فقال: الَّذِی لا یَأمَنُ جارَهُ بَوائِقَهُ): «سوگند به خدا که ایمان

۱. فِرسِن: استخوان پای بز
۲. صحیح مسلم (۲۰۲۵/۴)
۳. صحیح بخاری (۶۰۲۰)
۴. متفق علیه، صحیح بخاری (۶۰۱۸) صحیح مسلم (۴۷)

کامل ندارد، سوگند به خدا که ایمان کامل ندارد"؛ گفته شد: چه کسی ای پیامبر خدا؟ فرمود: "کسی که همسایه‌اش از بدی او در امان نباشد"».[۱]

کسی پرسید: ای پیامبر خدا، فلان زن شب نماز می‌گزارد و روز، روزه دارد، ولی همسایه‌اش را می‌آزارد. پیامبر ﷺ فرمود: (هیَ فِی النَّارِ)[۲]: «او در دوزخ است». در حدیثی که انس روایت کرده است پیامبر می‌فرماید: (ما آمَنَ بِی مَنْ بَاتَ شَبْعاً وَ جارُهُ جَائِعٌ إلی جَنْبِهِ وَ هُوَ یَعلَمُ):[۳]«کسی که سیر خواب بخوابد در حالی که در کنارش همسایه‌اش گرسنه است و او می‌داند، چنین فردی هرگز به من ایمان نیاورده است».

سوم: تحمل‌کردن آزار همسایه

اگر از همسایه آزاری در گفتار یا رفتار حتی با اشاره به او رسید راه نجات از این اذیت صبرکردن است. مردی خدمت پیامبر آمد و از همسایه‌اش شکایت می‌کرد پیامبر به او فرمود: (اصْبِرْ): «صبر کن». در بار سوم و چهارم که خدمت پیامبر شکایت آورد، پیامبر ﷺ به او فرمود: (أَخْرِجْ مَتاعَکَ فِی الطَّرِیقِ، فَطَرَحَهُ، فَجَعَلَ النَّاسُ یَمُرّونَ بِهِ، و یَقُولُونَ: مالَکَ؟ فَیَقُولُ: آذانِی جارِی، فَیلْعَنُونَ جارَهُ حتّی جاءَهُ، و قالَ لَهُ: رَدَّ متاعَکَ إلی مَنزِلکَ، فإنِّی واللهِ لا أعُودُ):[۴] « "اثاثیه‌ات را بیرون بیاور و بر سر راه بینداز" او هم این کار را کرد. مردمی در کنار او عبور می‌کردند، می‌گفتند: چی شده؟ می‌گفت: همسایه‌ام مرا اذیت می‌کند و مجبورم

۱. متفق علیه، صحیح بخاری (۶۰۱۶) صحیح مسلم (۴۶)
۲. رواه احمد و حاکم، اسناد آن صحیح است.
۳. روایت طبرانی در "الکبیر" و بزار و خطیب
۴. روایت ابوداود و جز او

وسایلم را این جا بیندازم. مردم هم همسایه‌اش را نفرین می‌کردند تا این که همسایه آمد و به او گفت: اثاثیه‌ی منزلت را به درون خانه بیاور که سوگند به خدا تکرار نمی‌کنم».

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (إنَّ اللهَ تَعالَی یُحبُّ الرَّجُلُ لَهُ الجارُ السُّوءُ یُوذیْه، فَیَصْبَرُ عَلَی أذاهُ و یَحْتَسِبُهُ حَتَّی یَکْفیَهُ اللهُ بِحَیاةٍ أو مَوتٍ):[۱] «خدای والامرتبه مردی را دوست دارد که همسایه‌ای داشته باشد که او را اذیت کند ولی این مرد صبر کند تا این که خداوند به زندگی یا مرگ او را کفایت کند».

مسؤولیت‌پذیری پزشک نسبت به بیماران

شغل پزشکی امانتی است در اختیار پزشک و بیمارانش نزد وی امانت هستند. هیچ امانتی بزرگ‌تر و شریف‌تر و بااهمیت‌تر و در عین حال خطرناک‌تر از حرفه‌ی پزشکی وجود ندارد، زیرا زندگی و مرگ بیمار به رفتار خیرخواهانه یا بی‌توجهی پزشک بستگی دارد. تفاوتی ندارد که در حد تجویز نسخه‌ی دارو باشد و یا عمل جراحی بیمار، در هر دو مورد هوشیاری و دقت پزشک و یا غفلت و بی‌توجهی او سرنوشت‌ساز است؛ خداوند بلندمرتبه می‌فرمایند: ﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَـٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولاً﴾:[۲] «ما امانت (خویش) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم و آن‌ها از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند و

---

۱. خطیب در "التاریخ" روایت کرده و سیوطی آن را صحیح دانسته است.

۲. احزاب:۷۲

انسان آن را حمل کرد به راستی که او ستمگر نادان است». خودداری آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها از پذیرش این امانت به سبب مشقت حاصل از آن بود و نیز به خاطر جایگاه این مسؤولیت‌پذیری در پیشگاه خدا در روز قیامت و بازخواست شدن از آن‌ها.

آیا امانتی بزرگ‌تر و مهم‌تر از روح انسانی وجود دارد که خداوند بلندمرتبه در این سخنش او را گرامی داشته است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلْنَٰهُمْ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً﴾:[1]« ما بنی‌آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نمودیم و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم».

پزشک باید دلسوز بوده و در کارش اخلاص داشته باشد و وظیفه‌ای را که بر عهده دارد به خوبی انجام دهد؛ مردم به وی اعتماد کرده و جان خود را به او سپرده‌اند؛ بنابراین باید کار خود را به دقت و درستی انجام دهد، اگرنه در پیشگاه خدا در روز قیامت بازخواست خواهد شد و بی‌شک نسبت به کم کاری و بی‌دقتی مسؤول خواهد بود.

چه بسیار مصیبت‌هایی که به وقوع پیوسته‌اند و انسان‌هایی که بر اثر سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی پزشکی جان باخته‌اند و چه بسا پزشکانی که به خاطر دل‌بستگی به پول بی‌ارزش جان بیماران را در معرض خطر قرار داده و به مسؤولیت شرعی و قانونی خویش عمل نکرده‌اند!

---

۱. اسراء: ۷۰

مسؤولیت ثروتمندان نسبت به مستمندان

۱. حقوقشان را به آن‌ها برسانند.
۲. به آنان بدی نکنند.
۳. آنان را دریابند.
۴. از نکوهش و بدرفتاری نسبت به آن‌ها پرهیز کنند.

مسؤولیت ثروتمندان نسبت به نیازمندان

۱. نخست ثروتمندان باید بدانند مالی را که در دست دارند در حقیقت مالک آن خداوند است و او این مال را به عنوان امانت در اختیار بندگانش قرار داده و آن‌ها را جانشین خود در این مال کرده است. بنابراین ثروتمندان در مورد این امانت باید از خداوند اطاعت نموده و مال را در جهتی که خداوند فرموده به مصرف برسانند.

خداوند فرمان داده است که ثروتمندان حقوق معین فقیران، مسکینان و خانه‌نشینان از قبیل زکات واجب و صدقه‌ی سنت از دارایی خود پرداخت کنند، لذا ثروتمندان موظفند امانت را به صاحبانش برسانند و از هر بی‌لطفی و درشتی در سخن و رفتار نسبت به مستمندان بپرهیزند.

در زمان پیامبر اسلام و خلفای راشدین پرداخت زکات اجباری بوده و به زور از ثروتمندان گرفته و به بیت‌المال سپرده می‌شد و به مصرف نیازمندان می‌رسید و امروز که بیت‌المال مشخصی وجود ندارد مسؤولیت توزیع زکات به خود ثروتمندان بر می‌گردد که زکات خود را در بین مستمندان توزیع کنند؛ خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:﴿إِنَّمَا ٱلصَّدَقَـٰتُ لِلْفُقَرَآءِ وَٱلْمَسَـٰكِينِ وَٱلْعَـٰمِلِينَ عَلَيْهَا وَٱلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِى ٱلرِّقَابِ وَٱلْغَـٰرِمِينَ وَفِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ ﴾:[1] «صدقات تنها برای تهیدستان و بینوایان و

---

۱. توبه:۶۰

کارکنان (گردآوری و توزیع) و کسانی که دلشان به‌دست آورده می‌شود و (در راه آزادی) بردگان و وام‌داران و در راه خدا و به در راه مانده است».

تهیدستان (فقرا) و بینوایان (مسکینان) اولین کسانی‌اند که این آیه به آن‌ها توجه داشته است. خداوند فرمان داده است که بهترین و محبوب‌ترین مال را انفاق کنیم: ﴿لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ﴾:[1] «هرگز به نیکی دست نیابید تا آنچه را که دوست می‌دارید انفاق کنید».

دادن زکات به مستمندان نوعی همکاری و همبستگی اجتماعی است که از ویژگی‌های دین مبین اسلام است و اندیشه‌های دیگر از این خصوصیت برخوردار نیستند، تا بدین وسیله جامعه‌ای یک‌پارچه، یک‌دست، هماهنگ و مقتدر، و به دور از کجروی‌ها و بیماری‌های درونی مثل کینه، دشمنی و حسادت باشد؛ مسلمانان همانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضا در بیداری و تب و رنج با او همدردی می‌کنند، چنانکه در حدیث پیامبر ﷺ آمده است که: (مَثَلُ المُؤمِنِينَ فِي تَوادِّهِمْ و تَراحُمِهِمْ و تَعاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الجَسَدِ الواحِدِ إذا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَداعَى لَهُ سائرُ الجَسَدِ بالحُمَّى والسَّهَرِ): «مومنان در دوستی، مهربانی و مهرورزی‌شان همانند یک پیکرند که چون عضوی از آن به درد آید سایر اعضا در بیداری و تب و رنج با او همدردی می‌کنند».[2] [شیخ مصلح الدین سعدی این حدیث را چه نیکو به نظم کشیده است:

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند — که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار]

---

۱. آل عمران: ۹۲

۲. بخاری/ح: ۶۰۱۱ کتاب الأدب. مسلم ح /۲۵۸۶، کتاب البرّ والصلة.

بنابراین دین اسلام در درجه‌ی اول دینی اجتماعی است، خواه دشمنان اسلام بپذیرند یا نپذیرند.

۲. مسؤولیت ثروتمندان نسبت به مستمندان به پرداخت حقوقشان (زکات و صدقات) منحصر نیست، بلکه ثروتمندان موظفند از هر نوع بدی و آزار و اذیت نسبت به مستمندان بپرهیزند. خداوند والامرتبه می‌فرماید:
﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبْطِلُواْ صَدَقَـٰتِكُم بِٱلْمَنِّ وَٱلْأَذَىٰ﴾:[1]
«ای مومنان صدقه‌هایتان را با منت گذاشتن و اذیت کردن باطل مکنید». مثل این‌که به او بگوید: من بودم که به تو مال دادم و به تو کمک کردم، تو سزاوار به کمک نیستی ... .

۳. صدقه را پنهانی و به دور از نگاه مردم بدهد. در صدقه‌ی سنت (غیر واجب) بهتر است که پنهانی و بدون آن که کسی از آن اطلاع یابد به فقیر برساند تا از جهتی مستمند احساس شرمندگی نکند و نیز صدقه‌دهنده چنانکه در بخشی از حدیث پیامبر ﷺ آمده است از زمره‌ی هفت نفری گردد که در روز قیامت خداوند آنان را زیر سایه‌ی رحمت خویش جای می‌دهد، روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی رحمت خدای بزرگ نیست:
(رَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فأخْفَاها؛ حَتَّى لا تَعلَمُ شِمالُهُ بِمَا أنفَقَتْ يَمِينُهُ):
«مردی که صدقه دهد و آن را مخفی دارد طوری که دست چپش نداند که دست راستش چه انفاق کرده است». این سخن کنایه از نهایت مخفی نگه داشتن صدقه از چشم مردم است، به خاطر اینکه در این کارش ریا نکرده باشد و فقط خالصانه برای رضایت خدا صدقه داده باشد.

۴. خداوند ثروتمندان را به شدت از نکوهش، رنجاندن و روی‌گردانیدن از مستمند به هر دلیلی که باشد منع کرده است، خداوند بلندمرتبه

---

۱. بقره: ۲۶۴

می‌فرماید: ﴿ وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ ﴾:[۱] «و اما خواهنده را مران و محروم مگردان»؛ زیرا مستمندان در واقع حقی را که خداوند برایشان معین کرده می‌خواهند، چنانکه در حدیث آمده است: (والفُقَراءُ عِيالُ اللهِ فی أرْضِه): «تهیدستان عیال خدا در زمین اویند».

اگر به هر دلیلی ثروتمندان نتوانند حقوق مستمندان را بپردازند حداقل به نیکی با آن‌ها سخن گویند، چنانکه در حدیث آمده است: (فالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ): «سخن نیک صدقه است».

همچنین لازم است ثروتمندان در روزهای جشن و شادی با کمک‌های مادی خود شادی را به خانه‌ی مستمندان وارد کنند و آنان را از گدایی و درخواست کمک در چنین روزهایی بی‌نیاز نمایند. در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: (أغْنُوهُم عَنِ المَسألَةِ فی هذا اليَومِ): «آنان را در این روز (عید) از کمک خواستن و دست گدایی دراز کردن بی‌نیاز کنید».

---

۱. ضحی: ۱۰

مسؤولیت فرد مسلمان در برابر عموم مسلمانان

۱. آنچه را که برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد.
۲. هرگاه از او مشورت خواست خیرخواهانه به وی کمک کند.
۳. در هر کاری خیرخواه وی باشد.
۴. کج‌روی‌های او را به بهترین روش درست کند.
۵. به او ستم نکند و وی را خوار نسازد.
۶. به او کمک کند.
۷. عیب‌های او را بپوشاند.

مسؤولیت فرد مسلمان در برابر عموم مسلمانان

مسلمان در برابر برادر مسلمانش مسؤولیت بزرگی به دوش دارد از آن جمله:

۱. فرد مسلمان باید آنچه را که در امور دینی و دنیایی سودمند است و آن را دوست می‌دارد برای برادر دینی‌اش هم دوست داشته باشد و آنچه را که خود نمی‌پسندد برای برادرش نیز نپسندد؛ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: (لا يُؤمِنُ أحدُكُم حتّى يُحِبَّ لأخيهِ ما يُحِبُّ لِنَفْسِه):[1] «هیچ یک از شما ایمان کامل ندارد مگر اینکه آنچه را که خود دوست می‌دارد برای برادرش نیز دوست داشته باشد».

۲. هرگاه در کاری با او مشورت شود نظر خیرخواهانه‌ی خود را به او اعلام دارد، اگر این کار نیک باشد او را به آن راهنمایی و تشویق کند و اگر بد باشد او را از آن کار دور کند، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: (الدِّينُ النَّصِيحَةُ): «دین همان نصیحت است»؛ گفتیم: نصیحت برای چه کسی؟ فرمود: (للهِ و لِكتابِهِ و لِرَسُولِهِ و لأئمَّةِ المسلمينَ و عامَّتِهِم):[2] «برای خدا و کتابش (قرآن) و برای پیامبرش و برای پیشوایان و عموم مسلمین».

---

۱. متفق علیه

۲. روایت بخاری در تاریخ

۳. اگر برادر مسلمانش به وی کاری سپرد، در آن کار خیرخواه و دلسوز باشد و به کامل‌ترین وجه ممکن انجام دهد، همان طور که کار خودش را انجام می‌دهد.

۴. اگر در رفتار برادر مسلمانش کجروی و یا در ادای واجبات کوتاهی و تقصیر دید او را به خوبی نصیحت کند و خیر و شر و حق و باطل را برایش روشن گرداند.

۵. مسؤولیت دیگر فرد مسلمان نسبت به برادر مسلمانش، ظلم نکردن به وی است؛ او را به دشمن نسپارد، به او خیانت نکند، او را خوار نکند، او را تحقیر نکند، مصیبت و رنج او و نیازمندیش را برطرف نماید پیامبر ﷺ می‌فرماید: (المُسلمُ أخو المُسلمِ لا يَظْلِمُهُ و لا يُسْلِمُهُ، مَنْ كانَ فی حاجَةِ أخيهِ كانَ اللهُ فِی حَاجَتِهِ، وَ مَنْ فَرَّجَ عَن مُسلمٍ كُربَةً فرَّجَ اللهُ عَنهُ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ يَومَ القِيامَةِ و مَنْ سَتَرَ مُسلماً، سَتَرهُ اللهُ يَومَ القيامَة):[1] «مسلمان برادر مسلمان است به او ستم نمی‌کند و او را تسلیم دشمن نمی‌کند؛ کسی که در فکر برطرف کردن نیاز برادر خود باشد خداوند در فکر برطرف کردن نیاز اوست و کسی که مسلمانی را از مصیبتی آسوده کند خداوند او را از مصیبتی از مصیبت‌های روز قیامت آسوده می‌کند و اگر کسی عیب مسلمانی را بپوشاند خداوند در روز قیامت او را می‌پوشاند».

در حدیث دیگری آمده است: (المُسْلمُ أخُو المُسلمِ لا يَخونُهُ، و لا يَكْذِبُهُ و لا يَخْذُلُهُ، كُلُّ المُسلمِ عَلَى المُسلمِ حَرامٌ: دَمُهُ، و مالُهُ، و

---

۱. متفق علیه

عِرْضُهُ، التقوَى ها هُنا، بِحَسْبِ امْرئٍ مِنَ الشَرِّ أنْ يَحْقِرَ أخاهُ المُسلمَ):[۱]
«مسلمان برادر مسلمان است به او خیانت نمی‌کند، به وی دروغ نمی‌گوید او را خوار نمی‌نماید. همه چیز مسلمان مانند خون، مال و آبرویش بر مسلمان حرام است. پیامبر ﷺ به سینه‌ی (مبارکش) اشاره می‌کند که تقوا این جاست، برای بد بودن انسان همین بس که برادر مسلمانش را تحقیر کند».

۶ـ از دیگر مسؤولیت‌های مسلمان در برابر برادر مسلمانش این است که او را یاری دهد چه ظالم باشد و چه مظلوم، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: (اُنْصُرْ اَخاکَ ظالِماً او مَظْلُوماً): «برادرت را یاری کن، چه ظالم باشد و چه مظلوم»؛ مردی گفت: ای رسول خدا، اگر مظلوم باشد او را کمک می‌کنیم، اگر ظالم باشد چگونه به او کمک کنیم؟ پیامبر فرمود: (تَحْجُزُهُ أو تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ، فإنَّ ذلکَ نَصْرُهُ):[۲] «او را باز دارد و از ستم منع کند، زیرا منع از ستم کردن همان یاری دادن اوست».

۷. از دیگر مسؤولیت‌های مسلمان در مقابل برادر مسلمانش این است که اگر لغزشی از او سر زد عیب او را بپوشاند؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: (لا يَسْتُرُ عبدٌ عَبْداً فی الدُّنیا إلاّ سَتَرهُ اللهُ يَومَ القيامَة):[۳]«هیچ بنده‌ای (عیب) بنده‌ی دیگر را نمی‌پوشاند مگر این‌که خداوند (عیوب) او را در روز قیامت می‌پوشاند».

---

۱. مسلم، کتاب البر والصلة، باب تحریم ظلم المسلم ... ح ۶۴۸۷ ابن ماجه، کتاب الزهد، باب البغی ح ۴۲۱۳.
۲. روایت بخاری
۳. روایت مسلم

مسؤولیت مسلمان در برابر عموم انسان‌ها

۱. تبلیغ و رساندن رسالت اسلام به انسان‌ها
۲. مسؤولیت عهد و پیمان
۳. رفتار خوب با اهل ذمه
۴. مسؤولیت در مقابل اسرای کفار
۵. حرمت قتل کافر بدون ارتکاب جرم
۶. حرمت تعرض و آزار رساندن به زنان و کودکان
۷. در کشورهای اسلامی مطابق قوانین اسلامی با غیرمسلمانان رفتار می‌شود.
۸. لعنت و نفرین به فرد معین کافر درست نیست.

مسؤولیت مسلمان در برابر عموم انسان‌ها

انسان -گرچه کافر باشد- نزد خدا از مقام کرامت و منزلت خاصی برخوردار است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلْنَٰهُمْ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾:[1] «در حقیقت ما فرزندان آدم را گرامی داشته‌ایم، و آنان را در خشکی و دریا (با وسایل نقلیه) برنشاندیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان نمودیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری بخشیدیم».

خلاصه‌ی مسؤولیت مسلمان در برابر غیرمسلمان به‌شرح ذیل است:

۱. تبلیغ رسالت اسلام: رسالت اسلام را به تک تک افراد غیرمسلمان در جوامع غیرمسلمان شرق و غرب برساند، اگرچه این کار هزینه‌ی زیادی در بر داشته باشد، خدای بلندمرتبه می‌فرماید: ﴿ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ ۖ وَجَٰدِلْهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾[2] « (ای پیامبر) به راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو فراخوان، و به روشی که آن روش] بهتر است با آنان مجادله کن». ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن

---

۱. اسراء:۷۰

۲. نحل: ۱۲۵

دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ﴾[1] «و کیست خوش‌گفتارتر از آن که مردم را به سوی خدا می‌خواند و کارهای شایسته انجام می‌دهد و اعلام می‌دارد که من از زمره‌ی مسلمانان هستم».

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (بَلِّغُوا عَنِّی و لَو آیةً):[2] «رسالت مرا تبلیغ کنید اگر چه بیان یک آیه باشد». ابزار و وسایل دعوت به اسلام گفتار و کردار و رفتار نیکوی مسلمان است تا بدین‌وسیله مسلمان برای دیگران الگو باشد. چنانچه مسلمان در هر کدام از این موارد کوتاهی کند، بداند که مورد مؤاخذه و محاسبه قرار می‌گیرد. وظیفه و مسؤولیت دعوت بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانان مخصوصاً عالمان است.

۲. مسؤولیت عهد و پیمان: اگر مسلمانان با کافران عهد و پیمانی داشته باشند باید به آن متعهد بوده و عهد خویش حتی در مقابل دشمن هم به اتمام برسانند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُواْ بِٱلْعَهْدِ إِنَّ ٱلْعَهْدَ كَانَ مَسْـُٔولًا﴾:[3] «به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا از عهد و پیمان پرسیده می‌شود». ﴿وَأَوْفُواْ بِعَهْدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمْ﴾:[4] «به پیمان خدا که با همدیگر می‌بندید وفادار باشید». پیامبر ﷺ با کفار مکه در صلح حدیبیه و با یهودیان در مدینه معاهده داشته است و مفاد این معاهدات این بوده که نامسلمانان تا زمانی که خیانت نکرده‌اند از حقوق و تکالیف برابر با

---

۱. فصلت: ۳۳
۲. روایت بخاری، احمد و ترمذی
۳. اسراء: ۳۴
۴. نحل: ۹۱

مسلمانان برخوردار باشند. این معاهدات میان دولت اسلام با دیگران بوده است.

۳. **اما در سطح افراد** و کسانی که در میان مسلمانان و تحت حکم و قدرت مسلمانان زندگی می‌کنند، و اینان کسانی‌اند که اهل ذمه نامیده می‌شوند، روا نیست به آن‌ها ستم شود و یا به حقوق آن‌ها تجاوز نمود یا بیش‌تر از توانشان از آنان جزیه گرفت. پیامبر ﷺ می‌فرماید: (مَنْ آذَى ذِمِّيّاً فأنَا خَصْمُهُ يَومَ القيامَة):[۱] «کسی که ذمی را اذیت کند من در روز قیامت دشمن او خواهم بود».

و فرموده است: (ألا مَنْ ظَلَمَ مُعاهِداً، أو انْتَقَصَهُ أو كلَّفَهُ فَوقَ طاقَتِه، أو أخَذَ مِنهُ شَيئاً بِغَيرِ طِيبِ نَفْسٍ فأنا حَجِيجُهُ يَومَ القِيامَة):[۲] «آگاه باشید کسی که به معاهدی (همپیمانی) ستم کند یا از قدر و منزلت وی بکاهد و یا بیش‌تر از توانش او را مکلف نماید یا به زور و بدون رضایت چیزی را از او بگیرد من در روز قیامت سخت به او معترض و مدافع معاهد هستم».

امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه پیرمردی از اهل کتاب را دید که گدایی می‌کرد به او گفت: چه کار می‌کنی؟ گفت: به خاطر پرداخت جزیه و تأمین زندگی‌ام گدایی می‌کنم. حالت تأثر و اندوه بر چهره‌ی عمر ظاهر شد. او را به سوی مسؤول بیت‌المال مسلمین برد و فرمود: به این مرد و امثال او نگاه کن، ما عادلانه و منصفانه با آن‌ها برخورد نکرده‌ایم، در جوانی‌اش او را به کار گرفته‌ایم و در پیری‌اش رهایش کرده‌ایم، آنگاه دستور داد از او و امثال او جزیه نگیرند و حقوقی از بیت‌المال مسلمانان برایشان مقرر نمایند.

---

۱. روایت مسلم
۲. سنن ابو داود (ح ۲۶۵۸)

عمر رضی الله عنه هنگام مسافرت به دمشق در سرزمینی که گذر می‌کرد قومی از نصارا زندگی می‌کردند که دچار خشکسالی و قحطی شده بودند، دستور داد از بیت المال به آنان کمک شود.

۴. **باید به اسرای کافر احترام گذاشت** و به آن‌ها غذا داد و در دادن آب و خوراک به آنان کوتاهی نکرد. و نباید با زدن و سرزنش و توبیخ و توهین به حقوق آن‌ها تعدی کرد؛ خداوند می‌فرماید: ﴿وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا﴾:[1] «با وجود علاقه‌ی و دوستی خود به غذا آن را به فقیر و یتیم و اسیر می‌بخشیدند».

اسیر همان کافری است که در میدان جنگ به اسارت گرفته می‌شود و در دست مسلمانان و تحت سیطره‌ی آنان قرار می‌گیرد.

۵. **هیچ کافر بی‌گناهی را نمی‌توان کشت**؛ اگر مسلمان کافری را به ناحق بکشد در روز قیامت در پیشگاه خداوند باید جوابگو باشد. یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم در جنگ، فردی از دشمن را بعد از گفتن "لا اله الا الله" کشت. پیامبر صلی الله علیه و سلم آن صحابه را سرزنش کرد؛ صحابی گفت: ای پیامبر، این مرد از ترس شمشیر "لااله الا الله" گفت. پیامبر صلی الله علیه و سلم به او فرمود: (أفَلا شَقَقْتَ عَن قَلبهِ حتَّى تَعلَمَ أنَّهُ قالَهَا خَوفاً أمْ لا):[2] «آیا تو قلبش را شکافتی تا بدانی آن را (کلمه‌ی توحید) از ترس گفته یا نه»؟

۶. **هنگام جنگ اقدام به قتل و اذیت زنان و کودکان مشرکین نشود؛** در سفارش پیامبر صلی الله علیه و سلم به هنگام جهاد آمده است: (انْطَلِقُوا باسْمِ اللهِ و

---

۱. انسان: ۸

۲. صحیح مسلم (ح۱۴۷۰) باب تحریم قتل الکافر بعد أن قال لا إله إلا الله

بالله، و علَى مِلَّةِ رَسُولِ الله، و لا تَقْتُلُوا شَيخاً، و لا طِفْلاً، و لا امْرَأَةً و لا تَغْلُوا، وضَمُّوا غنائِمَكُم، واَصْلِحُوا وأحْسِنُوا إنَّ اللهَ يُحِبُّ المُحسِنينَ):[۱] «با نام خدا و به یاری خدا و بر مبنای آیین رسول خدا حرکت کنید، هیچ پیرمرد، کودک و زنی را نکشید، کسی را به زنجیر نکشید غنیمت‌هایتان را بگیرید، صلح برقرار نمایید، نیکی کنید، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

عمر رضی الله عنه در سفارش‌های خود به فرماندهان و سربازان می‌گوید: پیرزن و بچه را نکشید و هنگام برخورد دو لشکر و یورش جنگجویان، از آنان محافظت کنید تا کشته نشوند. و نیز در سفارش ایشان به ابوعبیده رضی الله عنه آمده است: مسلمانان را از ستم کردن و ضرر رساندن و خوردن اموال مشرکان بنا حق باز دار و به کلیه‌ی پیمان‌هایی که با مشرکان منعقد کرده‌اید پایبند باشید.

۷. **تا زمانی که نامسلمانان در سرزمین اسلامی هستند مانند مسلمانان احکام شریعت اسلام بر آن‌ها اجرا گردد؛** کلیه‌ی حقوق و تکالیفی که برای مسلمانان مقرر شده برای آن‌ها نیز مقرر است و هرگز جایز نیست به دارایی و ناموس آن‌ها تعرض شود.

۸. **در صورتی که به مسلمان‌شدن آن‌ها امید است از مال زکات به آن‌ها داده شود،** زیرا خداوند ﴿وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ﴾[۲] را از جمله مستحقان زکات یاد کرده است. و نیز اگر مصلحتی وجود داشته باشد دادن صدقه‌ی غیر واجب به آن‌ها بلامانع است.

---

۱. سنن ابو داود (حدیث ۲۲۴۷)

۲. توبه: ۶۰

۹. **لعنت به کافر معین جایز نیست،** زیرا تنها خداوند آگاه به سرانجام هر انسانی است و تنها چیزی‌که جایز است لعنت به عموم کفار است خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾[1] که در این جا منظور عموم امت کافر است نه شخص معین از آن‌ها.

۱. بقره: ۸۹

مسؤولیت مسلمان نسبت به جانوران

نخست انسان باید بداند که در مورد حیوانات و پرندگانی که در اختیار و تحت تصرف وی هستند مسؤولیت دارد و لذا باید:

۱. آب و غذا برایشان فراهم کند و وظیفه‌ی خود را در مقابل این حیوانات به خوبی انجام داده و هرگز کم‌کاری نکند، زیرا چنانکه گفته شد در پیشگاه خدا مسؤولیت دارد و مواخذه می‌شود و دلیل این مطلب این است که: پیامبر خدا ﷺ وارد حیاط خانه‌ی یکی از انصار شد، ناگهان شتری را دید، وقتی که شتر متوجه حضور پیامبر ﷺ شد صدایی از خود در آورد و چشمانش پر از اشک شد، پیامبر آمد و دستی بر او کشید و اشک‌هایش را پاک کرد، سپس شتر آرام شد و پیامبر ﷺ فرمود: صاحب این شتر کیست؟ این شتر مال کیست؟ مرد جوانی آمد و گفت: ای رسول خدا، مال من است. پیامبر ﷺ فرمود: چرا در مورد این چهار پا از خدا نمی‌ترسی؟ خدایی که این شتر را به مالکیت تو در آورده است؛ این شتر نزد من از تو شکایت می‌کند که گرسنه و خسته‌اش کرده‌ای.[۱]

فرمان اسلام در آب و خوراک دادن به جانور تنها منحصر به آنچه در اختیار انسان است نیست، بلکه همه‌ی جانوران را در بر می‌گیرد، حتی جانور بیابان که در مالکیت انسان نیست.

نبی رحمت ﷺ می‌فرماید: «مردی در بیابان راه می‌رفت و تشنگی بر او فشار آورده بود، به درون چاهی رفت و از آن نوشید و بیرون آمد، در این

---

۱. امام برقانی به اسناد مسلم و ابو داود.

هنگام سگی را دید که از شدت تشنگی زبانش را بیرون می‌آورد و خاک می‌خورد، مرد با خود گفت: این سگ مانند من به شدت تشنه است. به درون چاه رفت و کفش خود را پر از آب کرد، با دهانش آن را گرفت و از چاه بیرون آمد و سگ را سیراب کرد، خداوند این شخص را تمجید کرد و گناهانش را بخشید».

صحابه پرسیدند: ای رسول خدا، آیا در مورد جانوران هم ما اجر و ثواب داریم؟ پیامبر فرمود: (فی کُلِّ کَبَدٍ رَطْبَةٍ أجرٌ):[۱]«در هر کبد زنده‌ای پاداش است»؛ یعنی در نیکی به هر حیوان زنده‌ای اجر و پاداش وجود دارد.

و باز می‌فرماید: (ما مِنْ مُسْلمٍ یَغرِسُ غَرْساً، أو یَزْرَعُ زَرْعاً، فَیَأکُلُ مِنهُ طَیرٌ، أو إنسانٌ أو بَهیمَةٌ إلاّ کانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ):[۲]«هر مسلمانی که درختی و یا زراعتی بکارد، سپس پرنده‌ای یا انسانی و یا حیوانی از آن بخورد برای او به سبب آن کار صدقه هست».

پیامبر ﷺ انسان‌ها را از آزار رساندن به جانوران خواه اهلی و یا وحشی نهی کرده است و می‌فرماید: (عُذِّبَتْ امرأةٌ فی هِرَّةٍ سَجَنَتْها حتَّی ماتَتْ، فدَخَلَتْ فِیها النَّارَ، لا هِیَ أطْعَمَتْهَا و سَقَتْها إذْ حَبَسَتْهَا، و لا هِیَ تَرَکَتْها تأکُلُ مِن خَشاشِ الأرضِ):[۳]«زنی به خاطر گربه‌ای عذاب داده شد. این زن گربه را زندانی کرد تا مرد و به همین سبب وارد دوزخ شد. این زن

---

۱. روایت احمد و ابن ماجه

۲. صحیح البخاری (ح۲۱۵۲) باب فضل الزرع و الغرس إذا أکل منه

۳. متفق علیه: بخاری (ح ۳۴۸۲) کتاب احادیث الأنبیاء مسلم (ح۲۲۴۲) باب تحریم قتل الهرة این لفظ مسلم است و لفظ بخاری به جای "حَبَسَتْها" "رَبَطَتْها" آمده و با همین لفظ در مسلم هم آمده است.

نه خودش آب و خوراک به آن گربه داد و نه آزادش کرد که از حشرات و خزنده‌های زمین و یا از گیاهان بخورد».

پیامبر ﷺ نهی کرده است که جانوری زنده را در جایی نگه دارند و با تیراندازی و پرتاب سنگ و چیزهای دیگر به عنوان تفریح یا مسابقه آن را بکشند.[۱]

پیامبر ﷺ الاغی را دید که در پیشانیش با داغ کردن علامت گذاشته‌اند، فرمودند: (لَعَنَ اللهُ الَّذِی وَسَمَهُ): «خداوند کسی را که بر پیشانی این الاغ داغ کرده نفرین کند».[۲]

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از کنار نوجوانانی از قریش رد شد که پرنده‌ای را بسته بودند و به سوی او تیر می‌انداختند و هر تیری که خطا می‌رفت برای صاحب پرنده امتیازی محسوب می‌کردند؛ آن‌ها وقتی ابن عمر را دیدند پراکنده شدند؛ ابن عمر فرمود: چه کسی این کار را کرده است؟ خدا او را لعنت کند، پیامبر خدا لعنت کرده کسی را که چیزی را که دارای روح است (با نشانه‌گذاری برای تفریح) مورد هدف قرار دهد.[۳]

پیامبر خدا لانه‌ی مورچه‌ای را دید که گروهی آن را آتش زده بودند، فرمود: چه کسی این لانه را آتش زده است؟ کسانی گفتند: ما. پیامبر ﷺ فرمود: سزاوار نیست کسی جز صاحب آتش (خداوند) به‌وسیله‌ی آتش کسی را عذاب دهد.[۴]

---

۱. أن تصبر البهائم (مسلم ح ۱۹۵۶ باب النهی عن صبر البهائم)

۲. لعن الله الذی وَسَمَه مسلم (ح۲۱۱۲) باب النهی عن ضرب الحیوان فی وجهه و وَسْمة فیه

۳. (مسلم ۳۶۱۷ باب نهی عن صبر البهائم)

۴. (سنن ابو داود ح ۲۶۷۵ باب فی کراهیة حرق العدو بالنار، و ح ۵۲۶۸ باب فی قتل الذر)

باز می‌فرماید: هر که گنجشکی و یا پرنده‌ی بزرگ‌تری را به ناحق بکشد، خداوند در روز قیامت در مورد آن از وی بازخواست می‌کند. گفتند: حق گنجشک چیست یا رسول الله؟ فرمودند: حق گنجشک آن است که آن را ذبح کند و بخورد و نه اینکه سر آن را قطع کند و پرت نماید.[۱]

ابن عباس روایت کرده است که پیامبر، از کشتن چهار حیوان نهی کرده است: مورچه، زنبور عسل، هدهد، صُرَد [۲] (شیرگنجشک)

سهل بن سعد ساعدی روایت می‌کند که پیامبر ﷺ از کشتن پنج حیوان نهی کرده‌است: مورچه، زنبورعسل، قورباغه، شیرگنجشک و هدهد.[۳]

ابن مسعود گفته است: در سفری همراه پیامبر ﷺ بودیم و پیامبر برای قضای حاجت رفت. در این هنگام اردک گردن‌طلایی را با دو جوجه‌اش دیدم. چون جوجه‌هایش را گرفتم، اردک آمد و بال‌هایش را بر جوجه‌هایش گشود. وقتی پیامبر آمد و این حالت را دید، فرمود: «چه کسی این پرنده را پریشان کرده است؟ جوجه‌هایش را پس دهید».[۴]

پیامبر ﷺ شتر بسیار ضعیفی را دیدند، دستور داد تا زمانی که این شتر سلامتیش را به دست نیاورده از آن کار نکشند. سهل بن عمرو روایت می‌کند که پیامبر ﷺ از کنار شتری رد شد که پشتش به شکمش

---

۱. نسایی ۴۳۴۹ باب إباحة أكل العصافير

۲. سنن ابو داود (ح۵۲۶۷) باب فی قتل الذر سنن ابن ماجه (ح۳۲۲۴ باب ما ینهی عن قتله). ابن اثیر در النهایه گوید: صُرد پرنده‌ای‌ست با سر بزرگ و منقار بزرگ و دارای بال و پر بزرگی است که نصف آن سفید و نصف دیگرش سیاه است.

۳. روایت بیهقی

۴. سنس ابوداوود ۲۶۷۵،

چسپیده بود (کنایه از لاغری و گرسنگی) آن گاه فرمود: (اتَّقُوا اللهَ فی هذهِ البَهائمِ المُعجَمَةِ، فارْكَبُوها صالحةً و كُلُوها صالحةً):[۱] «در حق این چهارپایان زبان‌بسته از خدا بترسید، به درستی بر آن‌ها سوار شوید و به درستی به آن‌ها خوراک دهید».

پیامبر ﷺ فرمودند: (لا تَتَّخِذُوا ظُهورَ دوابِّكُم منابِرَ، إنَّما سَخَّرَها اللهُ لَكُمْ لِتبْتَغُوا إلى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بالغِيهِ إلاّ بِشِقِّ الأنْفُسِ، و جَعَلَ لَكُم الأرْضَ، فَعَلَيها فاقْضُوا حاجَتَكُم): «پشت چهارپایانتان را منبر مگردانید، زیرا خداوند این حیوانات را برای شما مسخر کرده است تا شما را به شهرتان که جز به سختی بدان نمی‌رسید برسانند، و زمین را برای شما قرار داده است، نیازتان را بر روی زمین برآورده کنید».[۲]

از ابو هریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: (إذا سافَرْتُم فِی الخَصْبِ فأعْطُوا الإبلَ حَظَّها مِنَ الأرضِ (الرعی) و إذا سافَرْتُم بالجَدْبِ، فأسْرِعُوا علیها السَّیرَ، و بادِرُوا بها نَقْبَها، و إذا عَرَسْتُمْ، فاجْتَنِبُوا الطَّرِیقَ، فإنَّها طُرُقُ الدَّوابِّ، و مأوَى الهَوامِ باللَّیل):[۳] «هرگاه در سرزمین حاصل‌خیزی مسافرت کردید، حق شتر را به او بدهید (اجازه دهید در چراگاه بچرد) و اگر در سرزمین خشک و بی‌آب و علفی سفر کردید شتر را سریع برانید قبل از اینکه خسته شود. هرگاه شب به استراحت

۱. سنن ابوداوود ح ۵۲۶۷ باب فی قتل الذر. سنن ابن ماجه ح ۳۲۲۴ باب ما ینهی عن قتله
۲. سنن ابو داوود ح ۲۵۶۷ باب الوقوف علی الدابة
۳. روتیت دار قطنی و سیوطی آن را ضعیف دانسته است.

پرداختید از خوابیدن در راه‌ها پرهیز نمایید، زیرا راه محل حرکت حیوانات و خزندگان (مار و عقرب) در شب است».

شارع حکیم در وقت قربانی کردن حیوان فرمان به مهربانی و نیکی داده است. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: (إذا قَتَلْتُمْ فَأَحْسنُوا القَتْلَةَ، و إذا ذَبَحْتُمْ فأحْسِنُوا الذَبْحَةَ ولْيُحِدَّ أحَدُكُم شَفْرَتَهُ و لْيُرْحِ أحدُكُم ذَبيحَتَهُ):[۱] «هرگاه کسی را به حکم شرع کشتید، کشتن او را به وجه نیکو انجام دهید و هرگاه حیوانی را ذبح کردید به نیکی ذبح کنید، لازم است که کارد را تیز نمایید و ذبیحه را استراحت دهید».

از جمله موارد آزار رساندن به حیوان این است که جلو آن جانور دیگری را ذبح و قربانی کنی و یا اینکه هنگام قربانی آلت ذبح (چاقو و امثال آن) را به او نشان دهی. روایت شده که مردی گوسفندی را بر زمین خوابانده بود و چاقویش را تیز می‌کرد و گوسفند هم می‌دید، پیامبر ﷺ فرمود: آیا دوست داری دو بار او را بکشی؟ چرا قبل از اینکه او را بر زمین بخوابانی چاقویت را تیز نکردی؟

ابن سیرین از عمر رضی الله عنه روایت می‌کند که وی مردی را دید که به خشونت گوسفندی را به کشتارگاه می‌کشاند، عمر با چوب‌دستی خود به او زد و گفت: «گوسفند را به نیکی و نرمی بکشان».

و نیز از عمر رضی الله عنه روایت شده است که مردی را دید که گوسفندی را بر زمین خوابانده و پایش را بر چهره‌ی گوسفند گذاشته و چاقویش را تیز می‌کند. عمر او را با چوب‌دستی زد. آن مرد فرار کرد و گوسفند نیز رم کرد.

---

۱. روایت مسلم

در سیره‌ی عمر بن عبدالعزیز آمده است که وی از سوار شدن بر اسب جز در وقت ضرورت نهی کرده است.

عمر بن عبدالعزیز به حیان در مصر نوشت که: به من خبر رسیده که از شتر در بارکشی و نقل و انتقال بار استفاده می‌شود و بر روی یک شتر هزار رطل[1] بار می‌شود؛ هرگاه این نامه به دست تو رسید دیگر نشنوم که بیش‌تر از ۶۰۰ رطل بر روی یک شتر بار می‌شود.

ابن مسیب بن دارم نقل می‌کند که وی عمر رضی الله عنه را دیده است که مردی را می‌زد به خاطر اینکه بیش‌تر از حد توان یک شتر بر او بار گذاشته بود.

حکایت کرده‌اند که احمد بن حنبل برای جست‌وجوی حدیث از بغداد به شام رفت تا از محدث مشهور آن جا حدیث دریافت کند؛ وقتی به او رسید دید که دارد سگی را خوراک می‌دهد. ابن حنبل نشست، و محدث به اندازه‌ی مشغول خوراک دادن سگ شد که ابن حنبل به تنگ آمد و خسته شد و هنگامی که محدث کار غذا دادن به سگ را تمام کرد به ابن حنبل روی آورد و به او گفت: حتماً دلتنگ شده‌ای و از من رنجیده‌ای؟ ابن حنبل گفت: آری. محدث گفت: در سرزمین ما سگ وجود ندارد و این سگ به امید اینکه به آن آب و خوراک دهم به طرف من آمده است و من که دانستم آن گرسنه و تشنه است امیدش را برآورده کردم و به آن آب و خوراک دادم؛ زیرا من از ابی زناد شنیدم و او هم از اعرج و او هم از ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: (مَنْ قَطَعَ رجاءَ مَنِ ارْتجاهُ قَطَعَ اللهُ رَجاءهُ یَومَ القیامةِ): «هرکسی امید کسی را که به او

---

۱. رطل پیمانه‌ای برای سنجش وزن اشیا، معادل ۲/۵۶۴ کیلوگرم که در کشورهای مختلف مقدار آن متفاوت بود.

امیدوار است پاسخ گوید خداوند در روز قیامت امید او را برآورده می‌کند».
ابن حنبل تبسمی کرد و فرمود: این حدیث برای من کافی است و به بغداد بازگشت.

فرجامین سخن

مطالبی که بیان شد تعالیم ارزشمند اسلام است و این همان مسؤولیت‌شناسی در اسلام است که مسلمانان صدر اسلام به خوبی آن را شناخته بودند و این مسؤولیت تنها مبتنی بر نظارت پروردگار بزرگ است و از درون انسان مسلمان سرچشمه می‌گیرد و عوامل دیگر یا اثرهای بیرونی دیگر انسان در آن دخالت ندارد.

به همین خاطر نقش مسؤولیت‌پذیری در جامعه‌ی اسلامی بسیار تأثیر داشته است و میوه‌ی آن به بار نشست و نتیجه‌ی خوب خود را در سه قرن اول اسلام به روشنی نشان داده است، به دلیل اینکه پیامبر ﷺ می‌فرمایند: (خَيرُ القُرُونِ قَرنِی، ثُمَّ الَّذينَ يَلُونَهُم ثُمَّ الَّذينَ يَلُونَهُم): «بهترین قرن‌ها قرن من است، سپس قرنی که بعد از آن می‌آیند و سپس کسانی که بعد از قرن دوم می‌آیند». در این برهه از زمان مسؤولیت‌پذیری در داخل و خارج ممالک اسلامی عملی گردید و در نتیجه عدالت در آن حکم‌فرما و امنیت منتشر شد و شأن و جایگاه اسلام عزیز در میان ملت‌های دیگر برتری یافت.

اما از روزی که ایمان در دل مسلمانان ضعیف شد، مسؤولیت هم به دنبال آن ضعیف شد و کم کم به فراموشی سپرده شد، به گونه‌ای که به کلی از میان رفت و فرهنگ و دانش اهریمنان به جای تعالیم اسلام نشست و مسلمانان نه تنها با آنچه از غرب و شرق گرفته بودند رستگار نشدند بلکه آن دستاوردها مایه‌ی بدبختی و ویرانگری آن‌ها و جامعه‌ی

بشری گشت و سرانجام چیزی جز زیان و ضرر نصیب جامعه‌ی انسانی به ویژه مسلمانان نشد.

این بود آنچه که خداوند تألیف آن را در این موضوع برایم آسان گردانید.

و صلّی اللهُ علی المبعوث رحمة للعالمین و آله و صحبه أجمعین

دکتر عبدالله عبدالرحیم عبدالله عبادی

۱۳ /۱۴۲۱/۱۱ هـ ۲۰۰۰/۲/۷ م

کتاب‌های مولف

۱. من الآداب و الأخلاق الإسلامية
۲. الذبائح فی الشريعة الإسلامية (پایان‌نامه‌ی فوق لیسانس)
۳. موقف الشريعة من المصاريف الإسلامية المعاصرة (پایان‌نامه‌ی دکترا)
۴. العلم الحديث حجة للإنسان أم عليه (۳ جلد)
۵. تقديم طاعة على الأخرى أو تركها نظراً للزمان، والمكان والأحوال
۶. مقالات و ردود علمية
۷. مقالات أدبية إجتماعية
۸. المباح من الحيوان و شروط حل الذبيحة
۹. ذبائح أهل الكتاب و شروط حلها
۱۰.حكم الصيد و شروطه و آدابه
۱۱.المحرّم من الحيوان و بيان الحكمة من تحريمه
۱۲.حكم الأضحية والهدى والحكمة من مشروعيتها
۱۳.العقيقة و حكمها والحكمة من مشروعيتها
۱۴.أخطاء لغوية معاصرة
۱۵.السبيل المرشد إلى بداية المجتهد (۴ جلد)
۱۶. الأدعية و الأذكار الواردة فی المناسبات

۱۷.الابتلاء و الصبر علیه و مکانته من الإیمان
۱۸.الواقع التاریخی للمسلمین
۱۹.الرحمة و شمولیتها فی الإسلام
۲۰.المرأة و مکانتها فی الإسلام
۲۱.آداب الزواج والمعاشرة
۲۲.المسؤولیة فی الإسلام (کتاب حاضر)
۲۳.الخصائص الإسلامیة
۲۴.واقع المسلمین الیوم
۲۵.فضائل الأمة الإسلامیة فی الدنیا و الآخرة
۲۶.السلام فی الإسلام و آداب المجالس
۲۷.الجمعة و الجماعة و دور المساجد فی آداب المسجد
۲۸.موسوعة علم الحدیث فی میزان الکتاب و السنة
۲۹.رحلة الفتا إلی الخلود